

نقش والدین

در تربیت دینی فرزندان

سید مجتبیٰ حسینی نژاد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

نویسنده:

سید مجتبی حسینی نژاد

ناشر چاپی:

اثر قلم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	نقش والدین در تربیت دینی فرزندان
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	این کتاب:
۱۸	فهرست مطالب
۲۳	فصل اول: کلیات تحقیق
۲۳	اشاره
۲۵	مقدمه
۲۷	تبیین موضوع
۲۸	ضرورت و اهمیت موضوع
۲۹	پیشینه تحقیق
۳۱	سؤالات اصلی و فرعی
۳۲	اهداف کلی و جزئی
۳۵	فصل دوم «مفهوم شناسی»
۳۵	اشاره
۳۷	نقش
۳۷	جایگاه
۳۷	شیوه
۳۷	روش
۳۸	تأثیر
۳۸	وظایف
۳۸	حقوق
۳۸	سیره

۳۹	سنت
۳۹	تربیت دینی
۴۰	اخلاقیات
۴۰	ارزش و هنجار
۴۰	خانواده
۴۳	فصل سوم: «تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان»
۴۳	اشاره
۴۵	زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان
۴۵	۱. عوامل زمینه ساز پیش از تولد
۴۵	۱-۱- انتخاب همسر
۴۷	۱-۲- آداب مباشرت
۴۸	۱-۳- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند
۵۰	۱-۴- تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند
۵۱	۲. عوامل زمینه ساز پس از تولد
۵۱	۲-۱- گزینش نام شایسته
۵۲	۲-۲- آموزش فرزند
۵۴	۲-۳- تعلیم قرآن
۵۵	۲-۴- آموزش نماز
۵۷	۲-۵- دعا برای نیک بختی کودک
۵۹	۲-۶- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر
۶۰	۲-۷- آموزش مستحبات و تشویق به آنها امام باقر (علیه السلام) در صفات پدرش می فرماید:
۶۱	۲-۸- جلوگیری از افکار انحرافی
۶۱	۲-۹- تشویق به کارهای خیر
۶۲	۲-۱۰- کنترل دوستان
۷۱	داستان بی احترامی به مادر
۷۵	فصل چهارم «بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان»

۷۵ اشاره
۷۷ ۱. توجه به نیازهای اساسی کودک
۷۷ اشاره
۷۷ ۱-۱- محبت و عشق ورزیدن
۸۰ ۱-۲- تکریم و احترام کودک
۸۰ اشاره
۸۱ آثار تربیتی احترام کودک
۸۲ شیوه های تکریم و احترام فرزند
۸۳ عدم افراط در تکریم فرزند
۸۴ ۱-۳- تقویت عزت نفس
۸۶ ۱-۴- تقویت ارتباط کلامی
۸۸ ۱-۵- هدیه دادن
۸۹ ۱-۶- تشویق و تحسین
۹۱ فصل پنجم «توضیح و شرح نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان»
۹۱ اشاره
۹۳ اهمیت تربیت اجتماعی
۹۴ نقش پدر در تربیت اجتماعی
۹۶ مسئولیت پذیری
۹۷ آموزش مهارت مسئولیت پذیری
۱۰۰ تهیه رزق حلال
۱۰۳ فصل ششم «بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی»
۱۰۳ اشاره
۱۰۵ اهمیت تربیت اخلاقی
۱۰۶ عامل بودن والدین
۱۰۷ موعظه و راهنمایی
۱۰۹ زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه

۱۱۰	-----	راستی و صداقت
۱۱۱	-----	رفق و مدارا در تربیت
۱۱۴	-----	آثار تربیتی رفق و مدارا
۱۱۵	-----	نتیجه گیری
۱۱۷	-----	فهرست منابع
۱۲۱	-----	درباره مرکز

نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی نژاد، سیدمجتبی، 1359-

عنوان و نام پدیدآور: نقش والدین در تربیت دینی فرزندان/ سیدمجتبی حسینی نژاد.

مشخصات نشر: قم: اثر قلم، 1398.

مشخصات ظاهری: 110 ص.

شابک: 200000 ریال 8-650939-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 107 - 110 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: تربیت خانوادگی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*

موضوع: تربیت اخلاقی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Moral education-- Religious aspects -- Islam:

موضوع: خانواده ها -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Families -- Religious aspects -- Islam:

موضوع: والدین و کودک -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Parent and child -- Religious aspects -- Islam:

رده بندی کنگره: BP253/4

رده بندی دیویی: 297/644

شماره کتابشناسی ملی: 6022439

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

نقش والدین در تربیت دینی فرزندان

مؤلف: حجة الاسلام سيد مجتبی حسینی نژاد

ناشر: اثر قلم

چاپ: احسان

نوبت چاپ: اول 1398

شمارگان: 500 نسخه

شابک:

..... 8-39-6509-622-978

قیمت: 20000 تومان

صفحه آرایی: خدمات کامپیوتری احسان

آدرس: قم، مجتمع ناشران، واحد 237

شماره تماس: 09124516242 / 025-378842678

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

نقش والدین

در تربیت دینی فرزندان

«سیدمجتبی حسینی نژاد»

ص: 3

این کتاب:

به او، که دختر نمونه اسلام بود،

و ودیعه پیامبر و مادر امامت،

و به دختر قهرمانش زینب (علیها السلام)،

که احیاگر رسالت شهیدان بود، در لباس اسارت،

و به پدر و مادرم

و خانواده ام

که لطافت روح و طراوت روی را در نور حق یافته اند

تقدیم می گردد.

ص: 5

بعد از چاپ کتاب «نقش مادر در عفت دختران» و استقبال خانواده های صاحب دختر به نظرم رسید در خصوص انتقال ارزشهای دینی به فرزندان برای والدین - خانواده که نوک سییل جنگ رسانه ای دشمنان دین خداست تحقیق همه جانبه و جامع در خصوص نقش والدین انجام دهم که هم اکنون حاصل نوشتار در قالب این کتاب نقش والدین در تربیت دینی فرزندان پیش روی شماست.

شایسته است در جهت ارتقاء کیفیت این کتاب، با پیشنهادات و انتقادات سازنده خود به پست الکترونیکی:

valayat@gmail.com

یا شماره همراه 09364310318

را یاری دهید، تا در چاپهای بعد مورد استفاده قرار گیرد.

«حسینی نژاد»

ص: 7

فهرست مطالب

فصل اول: «کلیات تحقیق»

مقدمه. 15

تبیین موضوع. 17

ضرورت و اهمیت موضوع. 18

پیشینه تحقیق.. 19

سؤالات اصلی و فرعی.. 21

اهداف کلی و جزئی.. 22

فصل دوم: «مفهوم شناسی»

نقش.... 27

جایگاه. 27

شیوه. 27

روش.... 27

تأثیر. 28

وظایف... 28

حقوق.. 28

سیره. 28

ص: 9

سنت.. 29

تربیت دینی.. 29

اخلاقیات.. 30

ارزش و هنجار. 30

خانواده. 30

فصل سوم: «تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان»

زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان.. 35

1. عوامل زمینه ساز پیش از تولد. 35

1-1- انتخاب همسر. 35

1-2- آداب مباشرت.. 37

1-3- تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند. 38

1-4- تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند. 40

2. عوامل زمینه ساز پس از تولد. 41

1-2- گزینش نام شایسته. 41

2-2- آموزش فرزند. 42

2-3- تعلیم قرآن.. 44

2-4- آموزش نماز. 45

2-5- دعا برای نیک بختی کودک... 47

2-6- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر. 49

2-7- آموزش مستحبات و تشویق به آنها 50

2-8- جلوگیری از افکار انحرافی.. 51

9-2- تشویق به کارهای خیر. 51

10-2- کنترل دوستان... 52

داستان بی احترامی به مادر. 61

فصل چهارم: «بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان»

1. توجه به نیازهای اساسی کودک... 67

1-1- محبت و عشق ورزیدن... 67

1-2- تکریم و احترام کودک... 70

آثار تربیتی احترام کودک... 71

شیوه های تکریم و احترام فرزندان. 72

عدم افراط در تکریم فرزندان. 73

1-3- تقویت عزت نفس... 74

1-4- تقویت ارتباط کلامی... 76

1-5- هدیه دادن... 78

1-6- تشویق و تحسین... 79

فصل پنجم: «توضیح و شرح نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان»

اهمیت تربیت اجتماعی... 83

نقش پدر در تربیت اجتماعی... 84

مسئولیت پذیری... 86

آموزش مهارت مسئولیت پذیری... 87

تهیه رزق حلال. 90

فصل ششم: «بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی»

اهمیت تربیت اخلاقی.. 95

عامل بودن والدین.. 96

موعظه و راهنمایی.. 97

زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه. 99

راستی و صداقت.. 100

رفق و مدارا در تربیت.. 101

آثار تربیتی رفق و مدارا 104

نتیجه گیری.. 105

فهرست منابع.. 107

ص: 12

خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان زن و مرد آغاز می شود و با تولد فرزندان، توسعه و استحکام می یابد. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده زیرا در خانواده است که والدین با بهره گیری از روش های صحیح و اطمینان بخش و با رعایت حقوقی که دین مبین اسلام فرموده، فرزندان خود را در تربیت یاری نموده تا فرزندان شایسته و با ایمان به جامعه تحویل داده و آن ها را به سر منزل مقصود رسانند. در این تحقیق با استناد به آیات و سیره معصومان به برخی از حقوق فرزندان در والدین مورد بحث و بررسی قرار گرفته که از مجموع مباحث حاضر چنین نتیجه ای به دست آمد که والدین در انتقال ارزش های دینی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی به فرزندان نقش مهمی دارند. والدین با بهره گیری از این روش ها می توانند فرزندان خود را از انواع مفسد اخلاقی، اجتماعی و... مصون دارند و زندگی شیرین و سالمی برای خود و فرزندان به ارمغان آورند. روش تحقیق در جمع آوری اطلاعات، توصیفی - کتابخانه ای است.

خانواده کوچک ترین اجتماع انسانی است که روابط اعضای

آن در درجه نخست از پیوند عاطفی و خونی نشأت می‌گیرد و هر یک از اعضای خانواده نقشی دارند و بر اساس این نقش‌ها، تکالیف و حقوق خاصی برای هر یک از اعضا ایجاد می‌شود. نقش همسری، پدری، مادری و فرزندگی نقش‌هایی هستند که در خانواده وجود دارند و وابستگی جدایی‌ناپذیری با یکدیگر دارند، اما در این بین، نقش پدر و مادر، نقش‌های مهم‌تری هستند، اجرای احکام حقوقی که بر عهده والدین است، حافظ نظم و استحکام و پایداری خانواده به عنوان جزئی از جامعه است و هم‌چنین شناخت احکام دینی، عاطفی، اجتماعی، و اخلاقی و عمل به آن‌ها، خانواده را سالم و بارور نگاه می‌دارد و در سایه باروری این نهال، نظم خانوادگی استوار می‌ماند. هرگاه زمینه‌های رشد دینی و اخلاقی فراهم شود به راحتی می‌توان فرزندان را به اجرای احکام حق، در همه مراحل و ادار کردن و به طور کلی در همه مراحل تربیت باید به این نکته توجه داشت که بدون ترکیه نفس، نمی‌توان فرزندان را به اجرای حقایق، عمل به فرائض و رعایت حقوق واجب کرد. پس در وهله اول لازم است والدین خود عامل به رعایت ارزش‌های اسلامی باشند و در مرحله دوم فرزندان را در راه رسیدن به ارزش‌ها و کمال حقیقی یاری نمایند. برای رسیدن به این هدف متعالی لازم است،

زمینه سازی دینی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی را فراهم کنند که به بخش ها و زیر فصل های انتخاب مناسب همسر، انتخاب نام نیک، آموزش تعالیم دینی مانند قرآن و نماز، تقویت عزت نفس و تکریم و احترام فرزند، موعظه و راهنمایی، رفق و مدارا در انجام فرائض دینی توسط فرزندان، آموزش مهارت مسئولیت پذیری و... تقسیم می شود. هدف این پژوهش، شناخت و بیان چگونگی نقش والدین در انتقال ارزش ها به فرزندان است و روش تحقیق در جمع آوری اطلاعات، توصیفی - کتابخانه ای است.

تبیین موضوع

ارزش در اصطلاح جامعه شناسی به عقایدی گفته می شود که افراد یا گروه های انسانی درباره آن چه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند، ارزش های مختلف نمایانگر جنبه های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. ارزش ها معمولا از عادات نشأت می گیرند و به طور کلی به اموری که برای اعضای یک گروه اهمیت دارند و آرمان مشترک اعضای یک گروه تلقی می شوند را ارزش گویند. انسان موجودی است اجتماعی، که برای تحقق بخشیدن به فرایند رشد و کمال خویش به ارتباط با دیگران نیازمند است، در این بین خانواده که یک واحد اجتماعی است نقش

موثرتری در انتقال ارزش ها دارد، به طوری که هدف از این واحد اجتماعی از نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است، زن و شوهر که پدر و مادران آینده اند و فرزندان. در درون واحد اجتماعی خانواده، پدر و مادر از آغاز تولد کودک به عنوان الگو برای او مطرح هستند، بنابراین بیشترین نقش را در انتقال مفاهیم دینی به فرزندان دارند که تحقیق حاضر به دنبال بررسی نقش آنها در انتقال ارزش ها است.

ضرورت و اهمیت موضوع

در ادیان بزرگ الهی به خصوص اسلام، خانواده به عنوان اصلی ترین پایگاه و مهم ترین دانشگاه تربیتی و اخلاقی مطرح می شود که چیزی فراتر از کمیت افراد خانواده و نقش های مادی آن ها است، و آن در واقع چیزی نیست جز کارآمدی نقش افراد و نحوه استفاده بهینه از ظرفیت های وجودی، به منظور ایجاد ارتباطی گرم و پایدار. در واقع در خانواده است که کودک به آداب و رسوم ملی، مراسم دینی، وظایف فردی و حدود و اختیارات و مسئولیت ها پی می برد. با توجه به نقش سرنوشت ساز تربیت خانوادگی در رشد و تعالی فرزندان است، که بحث حقوق فرزند در اسلام مطرح می شود تا به والدین تذکر داده شود، که کودک

دارای حقوقی هستند و باید در رفع نیازهای آن کوشید، از جمله حقوق کودکان که بر عهده والدین است، تامین سعادت دنیایی و آخرتی آنان است که این امر میسر نمی شود، مگر از راه انتقال مفاهیم دینی. آیات و روایتی فراوانی متذکر این معنی شده، در عین حال سیره عملی پیامبر و ائمه جلوه های فراوانی از این موارد مشاهده می شود. در جامعه امروز ناهنجاری های زیادی می شود که حاکی از آن است که والدین ارزش ها را به نسل جوان انتقال نداده اند، زیرا اکثر والدین خود، به ارزش های اسلامی پایبند هستند، اما محل اشکال، فرزندان هستند که یا به ارزش ها پایبند نیستند و نسبت به آن بی تفاوتند یا حتی نقطه مقابل ارزش ها را نشان می دهد. در این تحقیق تلاش شده تا با آموزش راهکارهای انتقال ارزش ها و یادآور شدن نقش مهم والدین در تربیت فرزند، شکاف اعتقادی کمتری بین والدین و فرزندان دیده شود.

پیشینه تحقیق

کتاب تربیت فرزند، نوشته دکتر سید علی حسینی زاده، از فصل هایی با عنوان زمینه سازی برای تربیت کودک، آغاز تولد، آداب مباشرت، بازی با کودک، پرهیز از امر و نهی، توجه به نیازهای اساسی کودک، روش های تکریم و احترام و چگونگی

انتقال آن ها به فرزندان تشکیل شده است، که تحقیق حاضر، زمینه سازی برای تربیت کودک، توجه به نیازهای اساسی کودک و روش های تکریم و احترام را مورد استفاده قرار داده است؛ ولی تحقیق حاضر ایجاد روحیه مسئولیت پذیری در فرزندان، رفق و مدارا، موعظه و راهنمایی و تهیه رزق حلال را نیز مورد بررسی قرار می دهد که کتاب حاضر به آن پرداخته است.

کتاب تربیت دینی (سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت) نوشته دکتر محمد داوودی، زیر نظر علیرضا اعرافی از فصل هایی با عنوان آموزش قرآن، چگونگی آموزش نماز به کودکان، آموزش احکام روزه و روزه داری، تقویت ایمان، توجه به عواطف و احساسات، ارشاد و راهنمایی و آداب و رسوم های جامعه و... تشکیل شده است که از مجموع این فصل ها متناسب با موضوع تحقیق، آموزش قرآن و نماز، توجه به عواطف و احساسات مورد استفاده قرار گرفته ولی تحقیق حاضر، آموزش مهارت های مسئولیت پذیری، تقویت نقش پدر در تربیت اجتماعی و اهمیت رشد اخلاقی فرزند را نیز مورد بررسی قرار می دهد که کتاب حاضر به آن پرداخته است.

ص: 20

1. سؤال اصلی

نقش والدین در انتقال ارزش های اسلامی به فرزندان چیست؟

2. سؤالات فرعی

1-2- نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان چیست؟

2-2- نقش والدین در انتقال هنجار های عاطفی به فرزندان چیست؟

3-2- نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان چیست؟

4-2- نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی به فرزندان چیست؟

3. سؤالات فرعی تر

1-3- معنای لغوی و اصطلاحی نقش و جایگاه چیست؟

2-3- مفهوم لغوی و اصطلاحی شیوه، روش و تأثیر چیست؟

3-3- مفاهیم وظایف و حقوق به چه معنایی است؟

4-3- معنای لغوی و اصطلاحی سیره و سنت، تربیت دینی، خانواده و اخلاقیات چیست؟

5-3- عوامل زمینه ساز پیش از تولد فرزند برای انتقال ارزش

ص: 21

های دینی چیست؟ 3-6- جنبه های زمینه ساز پس از تولد فرزند در انتقال هنجار های دینی چیست؟

اهداف کلی و جزئی

1. هدف کلی

بررسی نقش والدین در انتقال ارزش های اسلامی به فرزندان

2. هدف های جزئی

1-2- تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان

2-2- بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های عاطفی به فرزندان

3-2- شرح و توضیح نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان

4-2- بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای اخلاقی به فرزندان

3. هدف های جزئی تر

1-3- بررسی معنای لغوی و اصطلاحی نقش و جایگاه

2-3- تبیین مفهوم لغوی و اصطلاحی شیوه، روش و تأثیر

3-3- بررسی مفاهیم وظایف و حقوق

ص: 22

4-3- تبیین معنای لغوی و اصطلاحی سیره و سنت، تربیت‌دینی، خانواده و اخلاقیات

5-3- توضیح و شرح عوامل زمینه ساز پیش از تولد فرزند در انتقال ارزش های دینی

6-3- بررسی عوامل زمینه ساز پس از تولد فرزند در انتقال هنجار های دینی

ص: 23

نقش

به معنای انتظاراتی است که شخص دارنده موقعیت و پایگاه اجتماعی باید آن را برآورده کند و به دو دسته محول (واگذاری) و محقق (اکتسابی) تقسیم می شود(1).

جایگاه

در لغت به معنای مقام و رتبه و در اصطلاح، هر نقطه و محلی که کسی یا چیزی در آن قرار می گیرد، جا و مکان(2).

شیوه

راه و روش؛ طریقه، سبک، حرکت کردن، رفتن(3).

روش

راهی است که باید آن را برای حل کردن مسأله ای و نتیجه ای با ارزش پیمود(4).

ص: 27

1- علی، باقی نصرآبادی، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، قم، یاقوت، 1382، 186.

2- محمد، معین، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386، 882.

3- همان.

4- سووه توماس، فرهنگ، اصلاحات اجتماعی اقتصادی، م. آزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، 1354، ص 254.

تأثیر

اثر گذاشتن در چیزی؛ اثر کردن، نفوذ، قدرت تأثیر گذاری(1).

وظایف

کاری که انسان مکلف به انجام دادن آن باشد، کار و خدمت(2).

حقوق

دانش شناسایی و بررسی قانون، مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است. علمی که از قواعد و مقررات حاکم بر روابط افراد، سازمان ها، جوامع و کشورها بحث می کند. علم شناسایی و بررسی قوانین و انطباق آن با مصادیق آن ها(3).

سیره

سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار، در منابع دینی اصطلاح سیره کاربرد زیادی دارد و آن چه معمولاً در

ص: 28

1- . محمد، معین، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386، 752.

2- . همان، 3473.

3- . حسن، عمید، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر اشجع، 1390، 696.

اصطلاح سیره مدنظر است، شناخت سبک رفتار بزرگان دین است(1).

سنت

از دیدگاه لغت شناسی می توان گفت سیره و سنت در یک معنا آمده و آن عبارت است از روش و طریقه پیموده شده. تفاوتی که سیره و سنت در اصطلاح فقهی _ اصولی وجود دارد این است که سنت، اعم از اقوال و افعال است؛ در حالی که سیره تنها بر افعال صدق می کند(2).

تربیت دینی

عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف دار، به منظور آموزش گزاره های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها متعهد و پایبند گردند(3).

ص: 29

-
- 1- . مرتضی، مطهری، سیری در سیره نبوی، چاپ پنجاهم، قم، صدرا، 1388، ص 45_46
 - 2- . محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب. ذیل واژه سنن، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، 1414ق.
 - 3- 1. محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 26.

اخلاقیات

از منظر جامعه شناسی، اخلاق شامل هنجارهای مهمی است که جامعه نقض آن‌ها را ناپسند می‌شمارد. اندیشمندان اسلامی نیز تعاریفی از اخلاق ارائه کرده‌اند که کلیت آن‌ها، اخلاق را هیئتی استوار و راسخ در نفس انسان‌ها می‌داند که کارها به آسانی و بدون نیاز به تفکر و اندیشه از آن صادر می‌شود(1).

ارزش و هنجار

واژه ارزش در اصطلاح، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است به یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می‌دهد(2).

خانواده

فیروزآبادی در تفسیر و تعریف خانواده در لغت می‌گوید: (خانواده سپر آهنین است و برای مرد، نیروی مطمئن(3)).

ص: 30

1- مصباح یزدی، 1388، 14

2- فرامرزی، رفیع پور، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش، 1378، 111.

3- باقر، شریف قریشی، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386، 1.

بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشان او که با آن ها قدرتمند می شود، نیز هست(1).

در اصطلاح خانواده عبارت است از یک واحد اجتماعی ناشی از ازدواج یک زن و یک مرد که فرزندان پدید آمده از آن ها، آن را تشکیل می دهند. خانواده شامل مجموعه ای از افراد است که با هدف مشترک و منافع مشترک زیر سقفی گرد هم می آیند. اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می کند، که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می دهد. نکاح، عقدی است که بر اساس آن رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار می شود و در پس آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می شوند. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می گردند(2).

ص: 31

1- . باقر، شریف قریشی، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386، 1.

2- علی، قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، 1384، 20.

فصل سوم: «تبیین نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های دینی به فرزندان»

اشاره

ص: 33

زمینه سازی برای انتقال ارزش های دینی به فرزندان

کودک حساس ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده می گذراند و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می روند از این رو برای تربیت فرزندی که به نوعی انتقال ارزش ها به اوست باید به رعایت عوامل زمینه ساز آن اهتمام ویژه داشته باشند. عوامل زمینه ساز تربیت فرزند در سیره معصومین به طور کلی به دو دسته تقسیم می شوند که برخی جنبه پیشینی و برخی جنبه پسینی دارند، که زمینه های پسینی مربوط به بعد تولد مربوط است؛ ولی به دلیل اهمیت زمینه های پیشینی در ابتدای این فصل مورد بررسی قرار می گیرد.

1. عوامل زمینه ساز پیش از تولد

1-1- انتخاب همسر

در سیره معصومین هنگام آغاز تربیت فرزند، از زمان انتخاب همسر دانسته شده، با انتخاب همسر زمینه های مؤثر در تربیت فرزند صرف نظر از فطرت که اختیار آن به دست انسان نیست، شامل عوامل ارثی و محیطی است. با انتخاب همسر پرونده عوامل ارثی و بخش مهمی از عوامل محیطی بسته می شود زیرا محیط تربیت را خانواده و اجتماع تشکیل می دهند در این میان مهم ترین نقش را خانواده ایفا می کنند. از این رو اگر همسران از لحاظ جسمی، سالم

و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت یافته باشند به جد می توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند سامان یافته و تضمین شده است(1).

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: « أنکحوا الاکفاء و أنکحوا منهم و اختاروا لنطفکم(2)».

به هم شأن خود زن بدهید و از هم شأن خود زن بگیریید و برای نطفه های خود (جایگاهی مناسب) انتخاب کنید.

انتخاب مناسب همسر در تربیت فرزند از این روست که با ایجاد تفاهم بین زن و شوهر و ثبات و آسایش خانواده، محیط امن و سالمی برای تربیت فرزند فراهم می آید، زیرا عدم تفاهم همسران و اختلاف و درگیری آن ها، موجب ایجاد اختلال در کانون تربیت شده و مهم ترین و اثر گذارترین عامل انحراف و انتقال نادرست یا انتقال ضد ارزش به فرزندان می شود(3). از دیگر ویژگی های که در سیره معصومین برای انتخاب همسر به توجه شده است رفتار نیکو و ادب همسر است. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «حسن

ص: 36

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 45.

2- محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 20، چاپ اول، قم، موسسه آل بیت، 1409ق، ص 48، ش 2.

3- سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص 50.

2-1- آداب مباشرت

از دیگر اموری که رعایت آن ها زمینه مناسبی را برای انتقال ارزش ها به فرزند فراهم می کند مباشرت و روابط صحیح پدر و مادر با یک دیگر است، که شامل تأثیر معنوی در روح و روان فرزند و تأثیر در صحت و سلامتی جسمی فرزند می گردد. « آن چه از سیره معصومین در این باره آمده است شامل سفارش هایی است که پیامبر در زمینه زمان، مکان و حالت روحی حاکم بر همسران در زمان آمیزش فرموده است. حالات روحی و روانی انسان و حتی نوع غذای او به قدری در آسان سازی امر تربیت فرزند مؤثر است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: « قبل از پیدایی تنها یادگار خود، به امر پروردگار چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت. در آخر هم از غذاهای بهشتی که جبرئیل برای او آورد، تناول کرد و نتیجه آن فرزندی که یازده امام معصوم (از نسل او پدید آمدند(2)».

ص: 37

1- . محمد، خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج3، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1366ش، ص329.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص54-55

رعایت آدابی چون ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعاکردن پیش از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان می شود. قرآن کریم پس از ذکر اینکه شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد و فرصت طلبید(1)»، می فرماید: «و اسْتَفْرَزَ مِنْ اسْتِطْعَتٍ مِنْهُمْ بَصَوْتِكَ وَ أَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بَخِيلِيكَ وَ رَجَلِيكَ وَ شَارَكَهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ(2)». هرکدام از آن ها را که توانستی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده ات را بر آن ها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی. در این آیه به شیطان اجازه شریک شدن در مال و فرزند انسان داده شده است. مسئله شرکت در اموال روشن است اما چگونه شیطان در فرزندان انسان شریک می شود؟ در تفسیر این آیه از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: هنگام آمیزش و تشکیل نطفه اگر نام خدا برده شود شیطان دور می شود ولی اگر نام خدا برده نشود شیطان داخل می شود و عمل از ناحیه شیطان و فاعل به طور مشترک واقع می شود(3).

مسئله دیگری که باید به آن توجه داشت رعایت تقوا و ترک محرّمات توسط پدر و مادر

ص: 38

1- همان، ص 56.

2- . اسراء، 64

3- . سیدعلی، حسینی زاده، همان.

و پرهیز از غذای حرم در به وجود آمدن نطفه است. اگر لقمه ناپاکو حرام در گوشت و خون والدین نفوذ کند و از طریق آمیزش به فرزند انتقال یابد، موجودی با امراض و ناپاکی شکل می گیرد که پالایش و تهذیب نفس او پس از تولد بسیار مشکل است(1).

امام صادق علیه اسلام در این باره می فرماید: « ما کان من مالٍ حرامٍ فهو شکرُ الشیطان(2)»

یعنی آن نطفه ای که از مال حرام به وجود می آید شیطان در آن شریک است. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی می فرماید: «الشقی من شقی فی بطنِ أمّه و السعید من سعید فی بطنِ أمّه(3)».

انسان بدبخت در شکم مادرش بدبخت است و انسان خوشبخت، در شکم مادرش خوشبخت است. با توجه به آن چه گفته شد می توان به این نتیجه رسید که دوران حمل برای طفل سرنوشت ساز است و مادر باید توجه داشته باشد که تمام روحيات وی در بچه ای که در شکم دارد اثر می گذارد و باید بکوشد بهترین شرایط را در این مرحله به کار گیرد(4).

ص: 39

-
- 1- . جمال، فرزند وحی، طاهره حیدر نژاد، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی"، فصل نامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، چاپ پنجم، نشر حسنا، قم، شماره هفدهم، 1392، ص 107_108.
 - 2- . علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، ج 2، قم، دارالکتاب، 1404ق، ص 22.
 - 3- . محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار، ج 5، بیروت، داراحیاء التراث العربی، 1403ق، ص 9.
 - 4- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 56.

طبق سیره معصومین رفتار و آداب مباشرت والدین هنگام انعقاد نطفه بر سلامتی و چهره ظاهری فرزند هم اثر گذار است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ به زنی که به عدالت خداوند اعتراض داشت، به تأثیر رفتار پدر در جسم فرزند نیز اشاره می کند، پیامبر صلی علیه و آله پس از لحظه ای تأمل فرمود: « آیا شوهرت هنگام مباشرت با تو شراب خورده بود؟ زن عرض کرد آری ای رسول خدا، حضرت فرمود: پس در این صورت کسی جز خودت را ملامت مکن(1)».

در روایتی دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصیت خود به حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: « یا علی، در اول، وسط و آخر ماه با همسرت هم بستر نشو، زیرا احتمال جنون، جذام و فساد عقل او و فرزندش را در این روزها زیادتر است(2)».

ص: 40

1- . محمدعلی، کریمی نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، ص 37.

2- طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، شریف رضی، 1370 ش.

2. عوامل زمینه ساز پس از تولد

1-2- گزینش نام شایسته

انسان به مقتضای فطرت از نام زیبا و خوش معنا لذت می برد و وقتی مورد خطاب قرار می گیرد، احساس شخصیت و سربلندی می کند ولی اگر نام زشت و بد معنایی داشته باشد موجب آزار روانی او شده و هرگاه مورد خطاب قرار گیرد، احساس شکست و سرشکستگی خواهد کرد. او یک عمر با نام خود در اجتماع زندگی می کند و همه جا با آن مورد خطاب قرار می گیرد، از این رو لازم است نام انسان محبوب، زیبا، پر معنا و شایسته باشد (1).

معصومین بر همه فرزندان خود نام هایی با معانی عالی می نهادند و همواره سعی می کردند جامعه و محیط از نام های نیکو و با معنا بهره مند و از نام های بی معنا و زشت خالی باشد (2).

اما نام چه تأثیری می تواند در انتقال ارزش ها به فرزندان داشته باشد؟ نام نیک از چند جهت در انسان تأثیر می گذارد:

1. تأثیر در رفتار دیگران؛ نام هر انسانی نمادی از او و بیانگر

ص: 41

1- . امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 172.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 70.

هویت و شخصیت او برای دیگران است. اگر یک ایرانی با یک خارجی برخورد کند، همین که نام خود را برای او بگوید، ملیت او برای فرد خارجی روشن می‌شود. مخاطب، هویت فرد را به همراه نام و مفهوم آن می‌شناسد و بر طبق آن رفتار می‌کند.

2. اثر تلقینی؛ نام انسان برچسبی است که از آغاز تا پایان عمر و حتی در قیامت همراه انسان است و اثر تلقینی دارد، زیرا همه افرادی که با انسان سر و کار دارند او را بدین نام می‌خوانند و توقع دارند که او مطابق نام خویش عمل کند(1).

3. اثر انگیزشی؛ انسان به طور ناخود آگاه می‌خواهد با بزرگانی که نام او از آن‌ها گرفته شده است همانند شود و خود را مشابه آن سازد بنابراین می‌کوشد، چنان رفتار کند که آنان رفتار کرده اند(2).

2-2- آموزش فرزند

با رشد جسمانی کودک لازم است، آموزش‌های دینی نسبت به فهم و درک آنان، گذشته از این که فرزندان را با مبدأ حقیقی آفرینش مرتبط می‌سازد، در آنان روحیه اعتماد به نفس و نیروی

ص: 42

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 71.

2- همان، ص 72.

استقامت و پایداری در مقابل مشکلات کمرشکن زندگی نیز ایجاد خواهد کرد(1).

امام صادق (علیه السلام) زمان شروع تربیت دینی و آموزش احکام شرعی از هفت سالگی می داند و می فرماید: « در هفت سالگی بر والدین لازم است حلال و حرام را به کودکان بیاموزند(2)».

فرزندان در آستانه نوجوانی و دوران بلوغ تمایل به مذهب پیدا کرده و زمینه ای مساعد برای آموزش احکام و اعتقادات دینی دارند(3).

روزی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) نگاهش به بعضی از کودکان افتاد، آن گاه فرمود: « وای بر فرزندان آخر الزمان از بی توجهی پدرانشان، گفتند: یا رسول الله از طرف پدران کافر؟ فرمودند: نه، بلکه از طرف والدین مؤمن آنان؛ که واجبات احکام دین شان را به آنان یاد نمی دهند و هرگاه فرزندان به تعلیم دین پردازند، مانع می شوند این گونه والدین به مبلغ اندکی از متاع دنیا راضی می شوند که فرزندان شان برای آنان کسب می کنند، من از آنان بیزارم و آنان از

ص: 43

1- . عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 28.

2- . محمدبن یعقوب، کلینی، ج 5، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا، ص 202.

3- . عبدالکریم، پاک نیا، همان.

طبق آن چه گفته شد آموزش ارزش ها به فرزندان جایگاه پراهمیتی دارد و والدین در این مورد لازم است اهتمام ویژه داشته باشند والدینی که فرزندان را به حال خود رها کرده و ارزش ها را به آن ها انتقال نمی دهند نباید توقع داشتن فرزند صالح و سالمی از نظر روحی و روانی داشته باشند (2).

3-2- تعلیم قرآن

قرآن کلام الهی و جلوه ای از قدرت و علم و حکمت پروردگار است و آیات نورانی آن نشانگر عظمت خداوند متعال می باشد و برنامه زندگی یک مسلمان و معارف آن گنجینه ای بی پایان است. بر این اساس لازم است که والدین مسلمان، فرزند خود را با معارف حیات بخش و انسان ساز این عهد نامه و حیانی آشنا سازند و آیات و مفاهیم آن را به صورت اندیشه های پویا در اذهان فرزندان در آورند. بنابراین اگر والدین این حق مسلم فرزند را رعایت نمایند، آنان در آینده فرزندان پاکیزه، همدل، متفکر، و آینده نگر خواهند شد. جامعه ای که افراد معمولی و کارگزاران حکومتی آن از چنین نسلی تشکیل یابند، در تمام زمینه ها موفق

ص: 44

1- میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل، ج 15، چاپ اول، بیروت- لبنان، موسسه آل البیت، 1408 ق، ص 164.

2- عبدالکریم، پاک نیا، همان، ص 34.

خواهند بود. چرا که ترقی و توسعه و استقلال یک جامعه در گرو داشتن افرادی تربیت یافته در مکتب قرآن است(1). علی (علیه السلام) در این باره به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می فرماید: « و إن ابتدئک بتعلیم کتاب الله(2)».

و این که نخست تو را کتاب خدا بیاموزم. اهمیت آموزش قرآن به کودکان و فرزندان به گونه ای است که معصومین آن را از حقوق فرزند و والدین شمرده اند(3).

4-2- آموزش نماز

سن شروع نماز به کودکان بر اساس سیره معصومین هفت سالگی است(4)، امام صادق (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود: « ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم؛ شما فرزندان را از هفت سالگی امر به نماز کنید(5)». معصومین در آموزش نماز به

ص: 45

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 34.

2- نهج البلاغه، نامه 31.

3- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 75.

4- محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج 2، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1387، ص 125.

5- گلچین صدوق، گزیده من لایحضره الفقیه، ج 1، چاپ اول، فیض کاشانی، 1276ش، ص 149.

کودکان توانایی و ظرفیت آن‌ها را در نظر می‌گرفتند؛ از این رو در آموزش نماز و عادت دادن کودکان به نماز بر آنان سخت‌نمی‌گرفتند و رعایت بسیاری از آداب و مستحبات نماز را از آن‌ها نمی‌خواستند و به طور کلی روش معصومین روش عملی بود؛ یعنی خود آنان به صورت عملی نماز می‌خواندند تا دیگران شیوه نماز خواندن را بیاموزند(1). به طور کلی در انجام فرایض دینی مانند نماز آن‌چه مهم است، نحوه آموزش ماست. مهم‌ترین نکته‌ای که لازم است فرزندان بدانند این است که این نماز خواندن برای خودشان چه سودی دارد. فرزندان باید به این آگاهی و باور برسند که اگر دستورات دینی را اجرا کنند و به آن‌ها احترام بگذارند، به چه آرامش روحی و ذهنی می‌رسند، اگر نماز بخوانند چه حالتی دارند و اگر نخوانند چگونه اند و به طور کلی حضور در یک حال و هوای معنوی تا چه حد در تأمین و تعمیق بهداشت روانی به آن‌ها کمک می‌کند و این فقط به سود خود فرد است، والدینی که اصرار دارند فرزندان‌شان نماز را اول وقت و با دقت و حوصله بخوانند در حالی که فرزندان آن‌ها هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند باید توجه داشته باشند که وظیفه آن‌هاست که فضای خانه را ملکوتی کنند؛

همین که فرزند می‌بیند پدر و مادر نماز می‌خوانند کار بسیار

ص: 46

مهمی صورت گرفته است(1). اگر فرزندان در سنی هستند که می توانند مطالعه کنند، کتاب در مورد نماز به آن ها معرفی کند و آن ها را همراهی کنند، در ضمن باید به این نکته هم توجه داشت که اگر والدین اصرار و سخت گیری زیادی در این امور دینی داشته باشند نتیجه عکس می دهد(2).

5-2- دعا برای نیک بختی کودک

افزون بر رعایت حقوق مادی و معنوی فرزندان، یکی دیگر از مهم ترین وظایف والدین، دعا برای نیک بختی و سعادت فرزندان است(3). شایسته است والدین بر این امر مهم توجه خاصی داشته باشند و در شرایط مساعد روحی و فرصت های ویژه به فرزندان خود دعا کنند. از مطالعه شرح حال برخی از بزرگان چنین به دست می آید که رمز موفقیت آن ها مرهون دعای پدر و مادرشان بوده است(4). امام سجاد در رساله حقوق خویش، وظیفه والدین را در این مورد

ص: 47

1- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر سابرین، 1388، ص 92.

2- . همان. ص 93.

3- . عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 15.

4- . همان، ص 17.

این گونه بیان می کند. « حق فرزندت به تو آن است که بدانی وجود او بخشی از وجود توست و نیکی و بدی های او در این دنیا وابسته به تو است، باید بدانی که تو در مقام سرپرستی او مسئول هستی که وی را با ادب و تربیت صحیح پرورش دهی و او را به پروردگارش راهنمایی کنی و در اطاعت و فرمانبرداری حضرت حق یاری اش دهی، پدری باش که به وظیفه خود آشنا و به مسئولیت خود آگاه است؛ پدری که می داند اگر نسبت به او نیکی کند اجر و پاداش خواهد داشت و اگر درباره او بدی کند مستحق مجازات و کیفر خواهد بود(1)». به طور کلی دعا برای سلامتی و رستگاری کودک، در هر لحظه و مرحله ای از تربیت او مؤثر است، دعا برای فرزند صرف نظر از تأثیرات روحی، معنوی و جسمی، تأثیرات روانی و تلقینی نیز دارد؛ زیرا وقتی فرزند با والدینی رو به روست که باور به خدا و استمداد از او را هر دم زمزمه می کنند او نیز بدان سو کشیده خواهد شد. دعا در سیره معصومین از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ حتی هنگامی که انسان تصمیم بر امر ازدواج می گیرد، بر دعا

ص: 48

1- . محمد بن علی، ابن بابویه، ج 2، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، 1413ق، ص 662.

کردن برای برخورداری از فرزند صالح تأکید شده است(1). امام صادق (علیه السلام) می فرماید: وقتی قصد ازدواج کردید، چنین دعا کنید، «اللهم و اقدر لی منها ولداً طیباً تجعله خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی(2)». خدایا از آن ها (زنان) برای من فرزندی پاک، مقدر کن و او را جانشین صالحی برایم در زندگانی و پس از مرگم قرار ده.

6-2- عادت دادن فرزندان به دعا و ذکر

معصومان فرزند خود را به دعا و ذکر عادت می دادند، از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «پدرم ما را جمع می کرد و امر می کردند ذکر خدا بگوییم تا خورشید طلوع کند(3)».

همچنین زید پسر امام زین العابدین (علیه السلام) می گویند: «امام زین العابدین (علیه السلام) در شب نیمه شعبان همه ما را جمع می کرد شب را به سه قسمت تقسیم می کرد، پس در قسمت آن را با ما نماز می خواند؛ آن گاه دعا کرده و ما آمین می گفتیم؛ سپس استغفار می کرد و ما هم استغفار

ص: 49

1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 67.

2- محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 20، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، 1409ق، ص 113، ش 1.

3- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج 4، چاپ اول، قم، دارالحدیث، 1439ق، ص 366.

می کردیم و از خدا طلب بهشت می کردیم تا فجر طلوع کند(1)».

7-2- آموزش مستحبات و تشویق به آنها امام باقر (علیه السلام) در صفات پدرش می فرماید:

«وكان يقضى ما فاته من صلوة نافلة النهار في الليل، و يقول: يا بنی! ليس هذا عليكم بواجب و لكن أحب لمن عود منكم نفسه عادة من الخیر أن يدوم علیها».(2)

ایشان قضای نوافل روز را در شب به جا می آورد و می فرمود: فرزندم! این عمل بر شما واجب نیست، لکن دوست دارم برای هر کدام از شما که نفسش را بر این عمل خیر عادت داد، این کار خیر را ادامه بدهد.

در روایات آمده است:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «ويل لأطفال آخر الزمان من آبائهم»، فقيل: «يا رسول الله! من آبائهم المشركين؟»، فقال: لا من آبائهم المؤمنین لا یعلمونهم شیئا من الفرائض».(3)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «وای بر کودکان دوره آخرالزمان، از

ص: 50

1- بحار الانوار، ج 80، ص 115.

2- . كشف الغمّة، ج 2، ص 287.

3- . مستدرک الوسائل، ج 15، ص 164.

پدرانشان». عرضه داشتند: «ای رسول خدا! از پدران مشرک؟»، فرمود: نه، از پدران مؤمن که از واجبات الهی چیزی به کودکانشان یاد نداده اند. حضرت علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند:

«أدبوا أولادکم علی ثلاث خصال: حبّ نیکم و حبّ أهل بیته و قرأته القرآن»⁽¹⁾.

فرزندان خود را بر سه خصلت، ادب نمایید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت و قرائت قرآن.

8-2- جلوگیری از افکار انحرافی

امام صادق (علیه السلام) فرموده است:

«بادروا أحداثکم بالحديث، قبل أن تسبقکم الیهم المرجئه»⁽²⁾.

به فرزندان خود هر چه زودتر حدیث بیاموزید، قبل از آنکه مخالفان بر شما سبقت گیرند و دلهای کودکان شما را با سخنان نادرست خویش، اشغال نمایند.

9-2- تشویق به کارهای خیر

پدر و مادر، اگر فرزند خود را با گفتار یا با اعمال، تربیت

ص: 51

1- . کنز العمال، ج 16، ص 456.

2- . وسائل الشیعة، ج 12، ص 247.

اسلامی و نیکو کرده باشند، فرزند هم به پیروی از آنان در امور اجتماعی، کارهای خیر و خدایسندانه انجام می دهد. گاهی شاهد این منظره زیبا هستیم که کودکانی پول تو جیبی خود را به فقرا و مستمندان هدیه می کنند. در روایتی آمده است:

عن أبي الحسن (عليه السلام) قال: «مَرَّ الصَّبِيُّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَضْبَةِ وَالشَّيْءِ وَانْ قَلَّ»(1).

10-2- کنترل دوستان

بدون شک، عامل سازنده شخصیت انسان (بعد از اراده و خواست و تصمیم او)، عوامل مختلفی است که از مهمترین آنها، همشینیان و دوستان هستند؛ چرا که انسان، خواه و ناخواه تأثیرپذیر است و بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی خود را از طریق دوستانش کسب می کند. این حقیقت، هم از نظر علمی و هم از طریق تجربه و مشاهدات حسی، به ثبوت رسیده است.

این تأثیرپذیری از نظر منطق تا آن حدّ است که در روایات اسلامی از حضرت سلیمان (علیه السلام) چنین نقل شده است:

«لا تحکموا علی رجل بشیء حتی تنظروا الی من یصاحب، فانّما یعرف الرجل بأشکاله و أقرانه و ینسب الی أصحابه و أخذانه»(2).

ص: 52

1- وسائل الشیعه، ج 6، ص 261.

2- سفینه البحار، ج 2، ص 27 (مادّه صدق).

نسبت به شخص هیچ حکم و قضاوتی نکنید تا اینکه همنشینان او را ببینید؛ و مرد با دوستانش شناخته می شود و به دوستان و همنشینان خود، نسبت داده می شود.

خداوند در سوره فرقان می فرماید:

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمَّ اتَّخَذْتُ فُلَانًا خَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا. (1)

و به خاطر بیاورید روزی را که ظالم، دست خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم. ای وای بر من! کاش فلان [شخص گمراه] را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق، گمراه ساخت، بعد از آنکه آگاهی به سراغ من آمده بود، و شیطان همیشه مخدول کننده انسان بوده است.

در شأن نزول آیه فوق آمده است که دو نفر از مشرکان به نامهای «عقبه» و «أبی» با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند، هرگاه عقبه از سفر می آمد، مهمانی بی ترتیب می داد و اشراف قومش را دعوت می کرد و در عین حال، دوست می داشت به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برسد، هر چند اسلام

ص: 53

را نپذیرفته بود.

روزی از سفر آمد و طبق معمول، مراسمی ترتیب داد و دوستانش را دعوت کرد از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز دعوت نمود. هنگامی که سفره را گسترده و غذا حاضر شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من از غذای تو نمی خورم تا به وحدانیت خدا و رسالت من شهادت بدهی». عقبه، شهادتین را بر زبان جاری کرد.

این خبر به گوش دوستش اُبی رسید، گفت: «ای عقبه! از آیینت منحرف شدی؟». او گفت: نه، به خدا سوگند، من منحرف نشدم؛ لکن مردی بر من وارد شد که حاضر نبود از غذایم بخورد، مگر اینکه شهادتین بگویم. من از این شرم داشتم که او از سفره من برخیزد، بی آنکه غذا خورده باشد. لذا شهادت دادم.

ابی گفت: «من از تو هرگز راضی نمی شوم؛ مگر اینکه در برابر او بایستی و سخت به او توهین کنی». عقبه این کار زشت را انجام داد و مرتد شد؛ و سرانجام در جنگ بدر، در صف کفار کشته شد و دوستش اُبی نیز در جنگ اُحد کشته شد. [\(1\)](#)

آیات فوق، سرنوشت مردی را که در این جهان، گرفتار دوست گمراهش شده و او را به گمراهی کشانده، شرح داده است.

ص: 54

در روایت دیگری از علی (علیه السلام) آمده است:

«و من اشتبه علیکم امره و لم تعرفوا دینه، فانظروا الی خلطائه، فان كانوا اهل دین الله فهو علی دین الله، و ان كانوا علی غیر دین الله فلا حظ له من دین الله».⁽¹⁾

هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید. اگر اهل دین خدا باشند، او نیز پیرو آیین خداست، و اگر بر آیین خدا نباشد، او نیز بهره ای از آیین حق ندارد.

در حقیقت، نقش دوست در خوشبختی و بدبختی یک انسان، از هر عاملی مهمتر است و گاه می شود که انسان را تا سر حد نابودی و نیستی می کشاند، و گاه هم او را به قلّه افتخار می رساند.

انسان در زندگی اجتماعی باید از دوستان بد، پرهیز کند. در حدیثی از امام محمد تقی (علیه السلام) می خوانیم:

«ایاک و مصاحبة الشریر، فانه کالسيف المسلول یحسن منظره و یقیح اثره».⁽²⁾

از هم نشینی بدان پرهیز که [بد،] همچون شمشیر برهنه است.

ص: 55

1- . بحار الأنوار، ج 74، ص 197.

2- . بحار الأنوار، ج 74، ص 198.

ظواهرش زیبا و اثرش بسیار زشت است.

تا توانی می‌گریز از یار بد *** یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد یک دم تو را بر جان زند *** یار بد بر جان و ایمان زند

البته حق پدر و مادر بر فرزند نیز زیاد است که در این مجموعه، ما به صورت فشرده، قسمتهایی از آنها را درج می‌کنیم:

1- نسبت به پدر و مادر، کمال خدمت را بنماید و به آنها حرمت نهد؛

2- جلوتر از آنها ننشیند؛ بلکه پشت سر آنها بنشیند؛

3- امر و فرمان آنها را اجرا کند و از نهی آنها، احتراز کند؛ البته در صورتی که مخالف با دستورات دینی نباشد؛

4- روزه مستحبی با اجازه آنها به جا آورد؛

5- بر صورت آنان نگاه محبت آمیز بکند؛

6- در موقع حرکت پشت سر آنان راه رود؛

7- با آنان به نرمی سخن گوید؛

8- صدایش را برای آنها بلند نکند و با آنها با گستاخی و پرخاشگری صحبت نکند؛

9- پدر و مادر را با اسم نخواند؛

10- صحبت‌های آنها را قطع نکن

ص: 56

11- خواسته های مشروع آنها را رد نکنند؛

12- در برخورد اجتماعی، با آنان به صورت امر و نهی رفتار ننمایند؛

13- در شادی آن دو، شاد و در غم آنها شریک باشد؛

14- طول عمر آنها را از خدا بخواهد؛

15- در تهیه لباس و طعام آنها پیشقدم باشد؛

16- در امر مسکن و امورات روزمره زندگی از آنها غافل نشود؛

17- بعد از وفات آنان از برگزاری مراسم غسل و کفن و دفن، تشییع، نماز وحشت، خواندن قرآن، صدقه دادن، به جا آوردن نماز و روزه، زیارت قبور آنها، دادن ردّ مظالم، ادای خمس و زکات و کفّارات برای آنها دریغ ننماید؛

18- حقوقی که در دنیا بر عهده آنهاست، آنها را به اندازه توانایی خود بپردازد؛

19- احترام آنها را در زمان حیات هم بعد از مرگ داشته باشد؛

20- یاد آنان را همیشه گرامی دارد.

در پایان این بحث، سخنانی را از حضرت امام سجاد (علیه السلام) نقل می کنیم:

ص: 57

«يا الهی! این طول شغلها بتربیتی؟ و این شدة تعبها فی حراستی؟ و این اقتارهما علی أنفسهما للتوسعة علی؟ هیئات! ما یستوفیان مَنیَّحَّهما، و لا أدرك ما یجب علی لهما، و لا أنا بقادر من وظیفه خدمتهما» (1).

ای خدای من! کجاست تلاش زیاد والدین در تربیت من؟ کجاست زحمت فراوان آنها در حفظ من؟ کجاست سختگیری آنها بر خودشان؟ ولی توسعه و فزونی را نسبت به من اجرا کردند. هرگز حق آنها را نمی توانم ادا کنم و چیزی که بر من نسبت به آنها واجب است، درک نمی شود و وظیفه و خدمت به آنها، هرگز ادا نمی شود.

مرحوم شهید اول، ضمن بیان قاعده ای به حقوق والدین بر فرزندان اشاره کرده است که در زیر می آید:

«لاریب أن کلّ ما یحرم لأجنب، یحرم لأبوین و ینفردان بأمور:

الأول: تحريم السفر المباح بغير اذنهما، وكذا السفر المندوب. وقيل: بجواز سفر التجارة و طلب العلم، اذا لم یمكن استیفاء التجارة و العلم فی بلدهما، كما ذكرناه فیما مرّ.

ص: 58

الثانى: قال بعضهم: يجب عليه طاعتها فى كل فعل و ان كان شبهة، فلو أمره بالأكل معهما من مال يعتقد شبهته أكل، لأن طاعتها واجبة و ترك الشبهة مستحب.

الثالث: لودعواه الى فعل، و قد حضرت الصلاة، فليؤخر الصلاة و ليطعهما، لما قلناه.

الرابع: هل لهما منعه من الصلاة جماعة؟ الأقرب أنه ليس لهما منعه مطلقا، بل فى بعض الاحيان بما يشق عليه مخالفته، كالسعى فى ظلمة الليل الى العشاء و الصبح.

الخامس: لهما منعه من الجهاد مع عدم التعيين، لما صح: «أن رجلا قال: يا رسول الله! أبايعك على الهجرة و الجهاد»، فقال: «هل من والديك أحد حى؟»، قال: نعم، كلاهما، قال: «أفتبتغى الأجر من الله تعالى؟»، قال: «نعم»، قال: فارجع الى والديك فأحسن صحبتتهما.

السادس: الأقرب أن لهما منعه من فرض الكفاية، اذا علم قيام الغير أو ظن لأنه يكون حينئذ كالجهاد الممنوع منه.

السابع: قال بعض العلماء لودعواه فى صلاة النافلة قطعها.

الثامن: ترك الصوم ندبا إلا باذن الأب. (1)(247)

شكى نیست هر چیزی كه برای دیگران، واجب یا حرام است، نسبت به پدر و مادر هم همین حکم را دارد؛ ولی در بعضی از امور،

ص: 59

والدین با دیگران تفاوت دارند که مواردی از آنها ذیلاً بیان می شود:

1. سفر مباح، بدون اجازه پدر و مادر حرام است. همین طور سفر مستحبی، بدون اذن والدین، حرام است. عده ای بیان داشته اند که سفر برای تجارت، جایز است و طلب علم، زمانی که تجارت و تحصیل، در شهری که پدر و مادر در آن سکونت دارند، امکان نداشته باشد.

2. بعضی از علما فرموده اند که اطاعت از پدر و مادر، بر فرزند، واجب است، در هر کاری، ولو آن فعل، شبهه داشته باشد. مثلاً اگر پدر و مادر، به غذایی دعوت کنند که فرزند نسبت به آن غذا شبهه داشته باشد که شاید از مال حرام تهیه شده باشد، اطاعت از پدر و مادر، و ترک شبهه مستحب، واجب است و هرگاه امری بین واجب و مستحب، مردّد بشود، امر واجب، مقدّم است.

3. اگر پدر و مادر به کاری بخوانند و به امری دعوت بنمایند؛ ولی وقت نماز و اول وقت آن باشد، نماز را به تأخیر می اندازد و اطاعت والدین را مقدّم می کند؛ چون اطاعت پدر و مادر، واجب و نماز اول وقت، مستحب است و واجب بر مستحب، مقدّم است.

4. اگر حضور فرزند در نماز جماعت، باعث زحمت و مشقت پدر و مادر می شود، حضور در نماز جماعت، لازم نیست.

5. پدر و مادر می توانند فرزند را از رفتن به جهاد (در صورتی

که جهاد، عینی نباشد)، منع کنند. مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرضه داشت: «ای رسول خدا! من با شما، بر هجرت و جهاد، بیعت می کنم». پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «آیا پدر یا مادر تو زنده هستند؟». عرضه داشت: «ای رسول خدا! هر دوی آنها زنده هستند». پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «آیا از خدای متعال، طلب اجر و پاداش داری؟». گفت: «آری!». پیامبر فرمود: نزد پدر و مادر خود برگرد و با آنان به نیکی رفتار کن.

6. پدر و مادر، می توانند از واجباتی که دیگران، آنها را به جا می آورند، منع کند که منظور، واجب کفایی است.

7. روزه مستحبی را بدون اجازه پدر به جا نیورد.

8. اگر فرزند مشغول نماز نافله باشد و پدر و مادر او را صدا بزنند، نماز مستحبی را قطع کند.

داستان بی احترامی به مادر

در زمان های پیش در میان بین اسرائیل جوانی به نام «جریح» زندگی میکرد، و وی از شهر و قریحه و اجتماع دور بود و در بیابان معبدی داست و همواره مشغول عبادت بود در این مسیر به قدری کوشا بود که مردم علاقه و ارادت خاصی به او پیدا کردند حتی شاه و رجال آن دیار مرید او شده بودند.

روزی در معبد، مشغول عبادت بود. مادرش به دیدار او آمد دید مشغول نماز است چند بار وی را صدا زد جریح صدای مادر را

می شنید ولی جوابش را نمی داد رسول خدا فرمود اگر جریح عالم و فقیه می بود می دانست که اگر نمازش را می شکست و جواب مادر را می داد ثوابش بیشتر بود. مادر از بی اعتنائی پسر دلسوخته شد و گفت: برو امیدوارم از دنیا نروی مگر اینکه گروه هایی از مردم فاسق و فاجر دور تو را بگیرند من این همه راه آمده ام تو در را باز نمی کنی و جواب مرا نمی دهی؟ این را گفت و از معبد دور شد.

جریح روز به روز از نظر مقام اوج می گرفت، تا این که عابدها و زاهد های آن زمان به او حسد بردند طبق مثل معروف « حاسد از چاقی دیگران لاغر می شود » دیگر حسد آنها به جوش آمد و می گفتند: چرا باید جریح آن همه دارای مقام باشد، خاص و عام، شاه و رعیت مرید او باشند....

به دنبال این افکار آلوده، زنی را که مشهور به فاحشگی بود به حضور آورده و قدری پول به او دادند و گفتند تو همیشه از زنا حامله می شوی وقتی که بچه زاییدی، بچه را به معبد جریح ببر، و در آنجا بگذار و بگو تو در فلان وقت با من زنا کردی و این بچه از آن توست برادر، دیگر کاری نداشته باش.

وقتی که چشم زن به پول ها افتاد، دلش رفت این پیشنهاد را پذیرفت. وقتی که وضع حمل کرد بچه اش را به معبد جریح برد و در آنجا گذارد و گفت: ای جریح این بچه از توست برادر بزرگش

کن!

آنگاه طبق نقشه قبلی عده ای در اطراف به معبد آمده بچه را برداشته و نزد پادشاه بردند و جریان زنای جریح را به پادشاه گفتند پادشاه از این گزارش بی اندازه ناراحت شد دستور داد فوراً بروید و معبد جریح را خراب کنید و او را دستگیر کرده بیاورید، مردم آمدند، با یک وضع عجیبی معبد را خراب کرده و جریح را با رسوایی تمام کشان کشان مزد پادشاه آوردند در حالی که مردم به او می رسیدند و آب دهان به صورتش می انداختند پادشاه نیز از شدت غضب بدون تحقیق دستور داد او را به دار آویزند و اعلام کرد که مردم جمع شوند و دار زدندش را ببینند.

در این میان مادر جریح با سایر مردم به گرد دار اجتماع کردند. جریح در بالای دار چشمش به مادرش افتاد، نفرین مادر یادش آمد که گفته بود امیدوارم در آخر عمر جماعتی از فسّاق و فجّار به دور تو باشند و تو بمیری، مادرش را صدا کرد و گفت:

مادر جان آن روز به معبد آمدی و من به تو اعتنا نکردم نفهمیدم غلط کردم مرا ببخش و از من راضی باش. مادر گفت اکنون که پشیمان هستی تو را بخشیدم و از تو راضی شدم.

در این هنگام جریح قوت گرفت و گفت: آن بچه ای را که به من نسبت می دهند را بیاورید، تا او را ببینم، بچه را آوردند، در این وقت جریح سر به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا تو می دانی

ص: 63

که این تهمت را به من زده اند و من بی گناهم، این نسبت ناروا را از من رفع کن. سپس رو به کودک کرد و گفت: « ایها الصبی انطق باذن الله و اخبرنا من اییک؟ » یعنی، ای کودک به اذن خدا سخن بگو، و پدر خود را معرفی کن. کودک با زبان فصیح گفت: ای مردم ساحت مقدس جریح از این آلودگی دور است او پدر من نیست، پدر من فلانی است، خدا حکم کند میان من و پدر و مادرم که نطفه مرا به حرام بسته اند.

پادشاه از این حادثه تعجب کرد، بی درنگ دستور داد جریح را از دار به پایین آورند خیلی از او معذرت خواست. فوق العاده به او احترام کرد و سپس دستور داد معبدش را خیلی با شکوه ساختند و تمام آنهایی را که نقشه قتل جریح را طرح کرده بودن با شکنجه سختی به قتل رساند و جریح هم سوگند خورد که دیگر از مادر جدا نشود و پیوسته او را احترام کند. (1)

ص: 64

1- . حیوة القلوب ج 1، ص 681. / به نقل کتاب داستانهای پند آموز تبلیغی (یدالله نعلبندی "روحانی" ص 120 و 121).

فصل چهارم «بررسی نقش والدین در انتقال هنجارهای عاطفی به فرزندان»

اشاره

ص: 65

در دایره امکان، بی نیازی راه ندارد. فلسفه می گوید: امکان، مساوی با نیاز است؛ یعنی نیاز، از ممکنات جدا شدنی نیست. ممکنات، نخست، محتاج به اصل وجود اند و پس از آن، نیازمند استقرار وجود و نیازهای فراوان دیگری برای ادامه حیات خود و یا بهتر زیستن دارند، اما درجه نیازهای موجودات متفاوت و مختلف است، در این میان نیازمند ترین انسان ها کودکان اند که به تنهایی حتی قادر به تغذیه خود نیستند. بر والدین در رفع نیازهای مادی کودکان سعی و تلاش بیشتری دارند، اما نیازهای روحی و روانی معنوی وجود دارد که از نیازهای مادی با اهمیت تر است (1). لذا در این فصل تلاش شده برخی از این نیازها که توجه به آن ها می توانند عامل مهمی برای انتقال ارزش های عاطفی به فرزندان باشد بیان شود.

1-1- محبت و عشق ورزیدن

بی شک یکی از اساسی ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی، نیاز به محبت است؛ به گونه ای که اگر این نیاز کودک

ص: 67

برآورده شود، کودک تا حد بسیاری در برابر نیازهای زیستی مقاومت کرده، آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. لازم است والدین به این نیاز فرزند توجه خاص داشته باشند و بدانند پاسخ گویی صحیح به این نیاز فرزند، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می دهد؛ زیرا ارضای این نیاز، موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس و اعتماد به والدین و حتی سلامتی جسمی او می شود و ارضا نشدن آن باعث فروپاشی آرامش روحی و روانی، بی اعتمادی به خود و دیگران، احساس عجز و حقارت، بیماری های جسمی و روانی متعدد و انحرافات اجتماعی بسیاری خواهد شد(1).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «موسی از خدا پرسید: خدایا! برترین اعمال نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان، زیرا من آن ها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آن ها را بمیرانم همه آن ها را به رحمت خود، به بهشت وارد می کنم(2)».

برخی از آثاری که محبت کافی به کودک می تواند در برداشته باشد به این شرح است:

1. رفع و ارضای نیاز طبیعی؛ پاسخ گویی به نیاز های عاطفی

ص: 68

1- . همان، ص 84.

2- طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، شریف رضی، 1370ش، ص 237.

کودک افزون بر آن که او را از عوارض ناشی از ارضا نشدن آن مصون می دارد، او را در حالت اعتدال روحی- روانی قرار خواهد داد. اما اگر این نیاز فرزند ارضا نشود مشکلات بسیاری خواهد آورد(1).

2. اعتماد به نفس؛ از دیگر آثار محبت به فرزند و از عوامل موفقیت فرد در زندگی فردی و اجتماعی، اعتماد به نفس است؛ زیرا با محبت به فرزند، وی احساس ارزشمندی می کند در مقابل اگر به او محبت نشود، گرچه در زندگی موفق هم باشد، احساس بی ارزشی و خود کم بینی کرده و به خود و دیگران بی اعتماد خواهد شد(2).

3. یادگیری شیوه محبت به دیگران؛ کودکی که مورد محبت واقع نشود، علاوه بر این که دچار اختلافات جسمی، روحی و روانی خواهد شد، در یادگیری محبت نیز دچار مشکل می شود و در آینده در محبت به فرزندان دیگر ناتوان خواهد بود.

ص: 69

1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 89.

2- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 89.

4. جلب اعتماد فرزند به والدین: با محبت به کودک می توان علاقه او را به محبت کننده جلب کرد. در نتیجه این علاقه، فرزند به والدین محبت و اعتماد پیدا کرده و از آن ها حرف شنوی خواهند شد، همچنین از این طریق زمینه نربیت های بعدی نیز فراهم خواهد شد؛ زیرا انسان ها به ویژه کودکان در قبال شخصی که به آن ها محبت می کند احساس احترام دارند و محبت کننده به خود را دوست داشته و مطیع فرمان او هستند(1).

2-1- تکریم و احترام کودک

اشاره

انسان، گل سرسبد موجودات است و اسلام، همواره حریم او را محترم شمرده است. این حرمت، صرف نظر از ویژگی های هر امت و گروه برای تمامی انسان ها وجود دارد و جنسیت، قومیت، نژاد، سن و حتی ایمان در آن دخالت ندارد. بدون در نظر گرفتن ملاک های ثانوی، کودک و بزرگسال با هم مساوی و از کرامت یکسان برخوردارند. از این رو باید از احترام یکسان بدون در نظر گرفتن دیگر ملاک ها نیز برخوردار باشند. از این رو اسلام حتی برای جنینی که در رحم مادر است و هنوز دیده به جهان نگشوده نیز احترام و کرامت قائل است چنان که حتی از ارث سهم می برد و اگر

ص: 70

1-2. همان.

هم سقط شد، مانند دیگر انسان ها باید غسل و کفن شده و به خاک سپرده شود و حتی اگر کسی باعث قتل او در رحم مادر شده، باید به ولی او دیه پردازد؛ این برخورد، با انسان ها در اسلام نشانه تساوی آن ها در کرامت است(1).

از سوی دیگر کودکان بر فطرت الهی آفریده شده اند و این فطرت گرچه هنوز به فضایل مزین نشده، به خباثت نیز آلوده نیست، پس، از این حیث نیز کودکان دارای کرامت اند و شاید کرامتی بیش از برخی بزرگسالان دارند؛ پس احترامی بیشتر را نیز می طلبند(2).

اکثر کودکان، خود را چنان می شناسند که دیگران در رفتار خود با آن ها می نمایانند و بر طبق این شناخت از خود، عمل می کنند و اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می شوند(3).

آثار تربیتی احترام کودک

1. انسان دارای حب ذات است و هر انسانی خود را دوست دارد و در جهت حفظ حرمت خود می کوشد و موقعیتی که در آن احساس بی حرمتی کند، پرهیز کرده، با آن به مقابله بر می خیزد(4).

ص: 71

1- همان، ص 102.

2- همان، ص 103.

3- . همان، ص 104.

4- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 103.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: « طبعت القلوب علی حبّ من أحسن علیها و بُغض من اساء الیها(1) ». قلب های (انسان ها) بر دوستی با کسی که با آن ها نیکی کند و دشمنی با کسی که به آن ها بدی کند سرشته شده است(2).

بنابراین اگر کودک از والدین خود احساس بی احترامی کند سخنان و تعلیمات آن ها، نه تنها بر او اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز به بار خواهد آورد زیرا ممکن است بغض آن ها را در سینه داشته و پذیرای حرف آن ها نباشد.

2. احترام به کودک در خود پنداره او تأثیری ژرف بر جای می گذارد و این تأثیر در رفتار شخص بروز می یابد؛ زیرا رفتار انسان ها بر اساس شناختی است که از فرد دارند و این شناخت از خود، به طور معمول از طریق نگاه دیگران به انسان حاصل می شود(3).

شیوه های تکریم و احترام فرزند

رعایت هر اصلی مستلزم انجام شیوه ها و راهکار هایی است، تکریم و احترام فرزند که اهمیت آن در انتقال ارزش های عاطفی

ص: 72

1- . محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج20، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت، 1409ق، ص184، ش4.

2- . سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص103.

3- . همان.

به فرزند بازگو شد هم شیوه های زیادی دارد که در این تحقیق به چند مورد از آن ها اشاره می شود.

برخاستن و استقبال از فرزند به هنگام ورود او به مجلس، سلام کردن، اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از حقوقشان، پذیرش دعوت و دعوت از آن ها برای میهمانی، جای دادن آن ها در صفوف نماز جماعت، شرکت دادن آن ها در جلسه دعا برای آمین گفتن، شخصیت دادن به آن ها؛ یکی از شیوه هایی که به وسیله آن ائمه به فرزندان خود شخصیت می دادند این بود که برخی کسانی را که سؤال داشتند، برای دریافت پاسخ به فرزندان خود ارجاع می دادند و این کار هم تمرینی بود برای فرزندان در شکوفایی استعدادها و هم معرفی آن ها به دیگران(1).

عدم افراط در تکریم فرزند

البته در محبت و تکریم فرزند نباید افراط کرد، زیرا در این صورت نه تنها نمی توان نتیجه صحیح تربیتی گرفت، بلکه شخصیت فرزند، در اثر زیاده روی والدین در ابراز محبت های نابجا لطمه جبران ناپذیری خواهد خورد. چرا که این فرزند از خود راضی و از جامعه توقعات و انتظارات زیادی خواهد داشت و در صورت بی

ص: 73

اعتنایی دیگران به این خواسته های بی مورد، فرزند نازپرورده و اززندگی بیزار و مأیوس شده و دچار عقده حقارت خواهد شد(1).

3-1- تقویت عزت نفس

بسیاری از مشکلات نسل جدید و جوانان از نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خودباوری ریشه می گیرد. ترس از ورود به اجتماع و اظهار اندیشه ها، عدم پذیرش مسئولیت ها و بسیاری از ناکامی ها و عدم موفقیت ها، از جمله عوارض حقارت و نداشتن عزت نفس است. بنابراین تقویت شخصیت فرزندان موجب به وجود آمدن بسترهای مناسب برای ایجاد خصلت های نیکو و صفات ستوده خواهد شد. تکریم شخصیت فرزند و احترام به او یکی از مهم ترین راه های تقویت عزت نفس در آنان است که قبلاً توضیح آن آورده شد(2).

از منظر امام علی (علیه السلام): « فرزند همانند گل ظریف است و روحیه ای لطیف و حساس دارد (معاشرت با وی باید حساب شده و از روی احترام باشد(3)» . حال اگر والدین در دوران شکل گیری

ص: 74

1- . عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 20.

2- همان، ص 18.

3- . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، چاپ اول، مکتب آیت المرعشی النجفی، 1404ق، ص 342.

شخصیت فرزند، با او با بی احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش برخورد کنند، شخصیت فرزند به صورت شخصیتی ذلیل، حقیر، وابسته و منفی شکل خواهد گرفت و اگر با احترام و بزرگداشت با او برخورد کنند، شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت رقم خواهد خورد و در خود به دیده احترام خواهد نگریست و در نتیجه رفتار او، رفتاری سالم و بهنجار خواهد بود(1).

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: « من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصية(2) ». کسی که از احترام نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه، بی ارزش نمی کند. یا امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: « من کرمت علیه نفس هانت علیه الدنيا(3) ». کسی که از احترام نفس، برخوردار باشد، دنیا نزد او بی ارزش می شود. عزت نفس یک ارزش به شمار می آید و برای ایجاد این ارزش در کودکان باید به صورت عملی آن را به ایشان آموخت و ایجاد چنین ارزشی، میسر

ص: 75

-
- 1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 104.
 - 2- . میرزا حسین، نوری، مستدرک الوسائل، ج 11، چاپ اول، بیروت- لبنان، مؤسسه آل البیت،؛ 1408ق، ص 339، ش 13208-14.
 - 3- حسن بن علی، ابن شعبه حرانی، تحف العقول، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1363ق، ص 278.

نیست مگر این که والدین به او احترام بگذارند و حقوق او را رعایت کنند. چرا که تحقیر شخصیت کودک؛ آثار تربیتی بسیاری را متوجه شخصیت فرزند می کند و هرگز نمی توان از کودکی که همواره به او بی احترامی شده، انتظار نیکی داشت(1).

فرزندانی که به طور واقعی عشق و محبت می بینند، ناخودآگاه درک می کنند که به آن ها ارج گذاشته شده است. احساس ارزشمند بودن برای سلامت روانی ضروری و پایه عزت نفس در کودکان است. این کیفیت نتیجه مستقیم عشق پدر و مادر به فرزند است. فرزندان به این اهمیت نمی دهند که والدین چقدر آگاهی دارند بلکه برایشان مهم است که چقدر به آن ها توجه می شود(2).

4-1- تقویت ارتباط کلامی

عموم مردم به ویژه کودکان و نوجوانان به ارتباط کلامی بسیار حساس هستند. لحن و صوت والدین در ارتباط کلامی باید دارای بار عاطفی مثبت باشد، والدین می توانند با سخنان نرم، نیکو و محبت آمیز از مشکلات روحی و ناهنجاری های کودکان و نوجوانان

ص: 76

-
- 1- سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 105.
 - 2- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 198-199.

بکاهند و رنج های درونی آنان را آرامش بخشند. بسیاری از تندخوئی ها، خشونت ها، لجبازی ها و زورگویی ها را می توان با ارتباط کلامی صحیح و نیکو حل نمود(1). نمونه هایی از ارتباط کلامی سرور و سالار آزادگان امام حسین (علیه السلام) با فرزند در حساس ترین روزهای زندگی: در هنگام گفتگو با دخترش سکینه و خواهران، برای تسکین آلام روحی وی فرمود: «یا نور عینی! چگونه تسلیم مرگ نباشد کسی که یاوری ندارد(2)».

و همچنین در موقع خداحافظی با فرزندان و خواهران، امام سجاد (علیه السلام) را به آغوش کشیده و با این کلمات دلنشین او را یاری دادند، «پسرم تو پاکیزه ترین فرزندان من هستی و بهترین خاندان من می باشی و تو از طرف من سرپرست این زنان و کودکان خواهی بود(3)».

سخنان محبت آمیز و دلربا تا عمق جان مخاطب تأثیر می گذارد و با ایجاد محبت بیشتر در قلب وی او را به سوی گوینده جذب می کند. والدینی که در به کارگیری الفاظ و عبارات خود، کمال ادب و عفت را رعایت کنند،

ص: 77

-
- 1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 29.
 - 2- محمد، محمودی شهری، موسوعه امام حسین، فی الكتاب و السنه و التاريخ، به ترجمه عبدالهادی، مسعودی، قم، دارالحدیث، 1389، ص 490.
 - 3- همان، ص 486.

در منظر فرزندان عزیز و مکرم بوده و دیگران نیز به آنان با دیده احترام می نگرند. در حقیقت رعایت ادب، عفت و داشتن صمیمیت در گفتار ناشی از کرامت نفس گوینده است و در تحکیم روابط گوینده و مخاطب تأثیر فراوان دارد(1).

5-1- هدیه دادن

یکی دیگر از راه های جذب فرزندان که انتقال ارزش های عاطفی را به آن ها تسهیل می کند دادن هدیه به آن هاست. هدیه دادن علاوه بر این که عشق و محبت هدیه شونده را به انسان زیاد می کند و موجب استحکام ارتباط قلبی می شود، نشانه احترام به شخصیت طرف مقابل است و هدیه شونده از این که مورد توجه و عنایت قرار گرفته، احساس لذت و نشاط می کند. والدین برای تقویت ارتباط صمیمانه با فرزندان می توانند با اهدای هدیه مناسبی در وجود آنان نفوذ کرده و خصلت های ستوده و نیک را در آنان ایجاد کنند(2).

طبق فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «بهتر است در دادن هدیه، فرزندان دختر را مقدم بدارد، زیرا هرکس دختر خود را خوشحال

ص: 78

1- . عبدالکریم، پاک نیا، همان.

2- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 24.

نماید همانند این است که یک انسان ارزشمندی را از بند رهنانیده است و هرکس به پسرش چشم روشنی داده است و او را شاد کند در ردیف بهشتیان خواهد بود(1)». هدیه، دل‌ها را پر از صفا و صمیمیت کرده و غبار کدورت را از دل‌ها می‌زداید به ویژه آن که تقدیم هدیه در مناسبت‌های خاصی باشد که خاطرات خوش آن روز با شادمانی تحفه‌عجین گردیده و تأثیر نشاط آور آن را چندین برابر می‌کند(2). البته تأثیر و لذت هدیه و بخشش به فرزندان زمانی بیشتر می‌شود که بدون درخواست قبلی انجام گیرد، تا ضمن حفظ شخصیت و کرامت، روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در آنان تقویت می‌شود(3).

6-1- تشویق و تحسین

یکی دیگر از روش‌هایی که در سیره معصومین در تربیت فرزند از آن بهره‌گرفته می‌شود روش تشویق و تحسین است(4). از

ص: 79

-
- 1- محمد، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 21، چاپ اول، قم، موسسه آل‌البیت، 1409ق، ص 514.
 - 2- عبدالکریم، پاک‌نیا، همان.
 - 3- همان، ص 25.
 - 4- سیدعلی، حسینی‌زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 153.

این رو علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می فرماید: « مبادا نکوکار و بدکار در دیده ات برابر آید که آن رغبت نیکوکار را در نیکی کمی کند و بدکار را به بدی وادار می نماید(1)».

به طور کلی در سیره معصومین تشویق، بیشتر به صورت تشویق های معنوی و یا تحسین بوده است و کمتر از تشویق و پاداش مادی استفاده شده است(2). والدین باید سعی کنند بر کوشش ها و موفقیت فرزندان تمرکز داشته باشند نه بر ضعفیات آن ها. والدین با تشویق باعث می شوند تا فرزندان از لحاظ روحی و روانی و معنوی رشد کنند و زندگی متعادلی داشته باشند(3).

ص: 80

1- ترجمه جعفر، شهیدی، نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، 1378ش، ص 328.

2- . سیدعلی، حسینی زاده، همان، ص 154.

3- . امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 207-205.

فصل پنجم «توضیح و شرح نقش پدر و مادر در انتقال ارزش های اجتماعی به فرزندان»

اشاره

ص: 81

تربیت اجتماعی یکی از جنبه های مهم تربیت است که بزرگان دین برای بالندگی و تعالی آن همت گمارده اند. رساله حقوق حضرت سجاد (علیه السلام) حاوی دستورها و توصیه های فراوان در خصوص نحوه برقراری روابط اجتماعی با علمای دین، همسایگان، همسر و دیگر مسلمانان است. که رعایت این حقوق ابتدا باید توسط والدین انجام شود تا آن ها بتوانند آن را به فرزندان انتقال دهند. آیات قرآن کریم نیز بر امر اجتماع و فعالیت های اجتماعی تأکیدات فراوان دارد، چنان که بیشتر آیات قرآن دارای جنبه اجتماعی است تا جنبه فردی (1). قرآن بر پیوند های اجتماعی میان مسلمانان و برقراری ارتباط میان آنان توصیه کرده است. وی می فرماید: «واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً و لا تفرقوا» (2). یعنی به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید. اگر همین باور در فضای خانواده پدید آید، اعضای آن را همواره در کنار یک دیگر نگاه می دارد و زن و شوهر نیز به سوی جدایی نمی روند (3).

اگر خانواده از یک دیگر دور شوند زمینه

ص: 83

1- . محسن، ایمانی، " جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، خرداد 1391، ش 371-369، 1389، ص 2.

2- . آل عمران، 103.

3- محسن، ایمانی، همان مقاله، ص 2.

زوال، ناکارآمدی و سقوط خانواده را فراهم کرده اند، حال آن که با هم بودن در کنار هم، از دستان پر از رحمت و برکت خداوند بهره می گیرند. در چنین شرایطی، زن و شوهر، به عنوان دو هم پرواز، در آسمان معنویت و کمال اوج می گیرند و با دست در دست فرزندان خویش نهادن و در پرتو معنویت الهی، آنان را نیز به کمال رسانند(1).

نقش پدر در تربیت اجتماعی

والدین نقش اساسی در تربیت اجتماعی فرزندان ایفا می کنند در این میان پدرها نقش بیشتر نسبت به مادر دارند، آن ها ضمن حضور در جامعه می توانند با هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی آشنایی بیشتری حاصل کنند و در پرتو این شناخت و بصیرت، در جهت اجتماعی کردن بهتر فرزندان خویش گام بردارند و ضمن آموختن آداب و رسوم اجتماعی آنان را با هنجارها و ارزش ها آشنا کنند. آموختن مهارت های اجتماعی نیز وظیفه دیگری است که به دلایل ذکر شده عمدتاً بر عهده پدر است و مادر نیز نقش یاور و همکار را در این زمینه بر عهده دارد. پدر می تواند زمینه رفت و آمدها را با خانواده های اقوام و خویشاوندان فراهم کند و با انجام

ص: 84

1- همان، ص 3.

دید و بازدید، اعضای خانواده خود را از مواهب مربوط به صله ارحام برخوردار نموده، بدین ترتیب بر رشد اجتماعی فرزندان خویش بیافزاید. آموختن مهارت های اجتماعی مانند مشورت با دیگران، توان متقاعد ساختن آن ها، همکاری، سازگاری، توافق، برقراری روابط همدلانه و مؤثر بین فردی و... به فرزندان امری ضروری است(1)، چرا که برخورداری از مهارت های اجتماعی مانع انزوای فردی می گردد و به رشد بیشتر فرزند کمک کرده، سطح رضایت وی از زندگانی را بالاتر می برد.

پس زمانی می توان یک فرد را فردی اجتماعی نامید که از روابط اجتماعی، دلیل و ضرورت آن مطلع باشد. خود را با رعایت موازین اجتماعی و هنجار های حاکم بر جامعه ملتزم بداند و ضمن اهمیت دادن به ارزش های اجتماعی و پای بندی به آن ها، بتواند مدافع ارزش های اجتماعی و هنجار های حاکم بر آن باشد(2).

پدر با حفظ وحدت در فضای خانواده، فرزند خود را برای یک پارچگی و انسجام اجتماعی آماده می کند این در حالی است

ص: 85

1- . همان.

2- محسن، ایمانی، " جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، خرداد 1391، ش 371-369، ص 3.

که پدران مبتلا به حالت انزوا طلبی، اهل معاشرت نیکو با همسرانشان نیستند و گاه عملکرد آن‌ها چیزی جز بریدن افراد خانواده از یک دیگر و جدا زیستن در عین بودن در یک خانه و خانواده اثر دیگری ندارد. اما پدرانی که با همسران خود بر اساس دستورات خدای تعالی معاشرت نیکو دارند و با آن‌ها صمیمی‌اند، همه اعضای خانواده بسان پروانه بر گرد وجودشان جمع می‌شوند زیرا روابط نیکوی میان همسران است که به فرزندان تسری می‌یابد و مجموعه از افراد صمیمی گرد هم می‌آیند بدین ترتیب فرزندان خانواده فرایند رشد و بالندگی اجتماعی را به خوبی پشت سر گذاشته و افرادی اجتماعی خواهند شد (1).

مسئولیت پذیری

یکی از مهارت‌های اجتماعی که فرزندان باید از سنین کودکی از آن برخوردار باشند، احساس مسئولیت است که بر والدین لازم است آن را از سنین خردسالی به فرزندان آموزش دهند.

به طور کلی ابتدا والدین خود باید افرادی مسئولیت‌پذیر باشند تا در وهله بعد بتوانند با استفاده از روش‌های گوناگون و عملی و مفید این مهارت اجتماعی را به فرزندان آموزش دهند. برای ایجاد مسئولیت

ص: 86

پذیری در فرزندان روش های بسیاری وجود دارد که در این تحقیقه چند مورد از آن اشاره و شرح داده می شود.

آموزش مهارت مسئولیت پذیری

والدین در ابتدا باید از موارد بسیار کوچک و ابتدایی شروع کنند. فرزند از همان کودکی باید مسئولیت نگه داری و مراقبت از وسایل شخصی خود را بر عهده بگیرد و در این میان طبق مسئولیتی که بر عهده گرفته باید خود پاسخ گو باشد به طور مثال: باید تکالیف دروس را خود انجام دهد و اگر انجام نداد مسئولیت پاسخ گویی به آموزگار با خودش است(1).

- مسئولیت ها باید در حیطه توانایی فرزند باشد، نباید از او انتظار داشت که کاری انجام دهد که از توانش خارج است، به طور کلی والدین باید به سن و جنس فرزند خود و هم چنین شرایط زندگی او توجه داشته باشند(2)

- دیدگاه و نظر والدین درباره مسئولیت پذیری باید به صورت

ص: 87

1- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر سابرین، 1388، ص 103.

2- . سیما، فردوسی، کلیدهای تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر سابرین، 1388، ص 103.

مشخص برای فرزندان توضیح داده شود(1).

- یکی از مهم ترین اقدامات برای مسئولیت پذیری فرزندان این است که وظایفی توسط والدین به آن ها محول شود و از آن ها خواسته شود که این وظایف را انجام دهند. یکی از راه ها این است که ابتدا والدین همه کار هایی را که می خواهند به فرزندشان محول کنند را یادداشت کرده و پیامد های انجام ندادن هر یک از وظایف را نیز تعیین کنند(2).

- والدین باید به فرزندان یاد دهند که چگونه تصمیمات مسئولانه بگیرند: بخش مهمی از مسئولیت این است که کودک بتواند تصمیم بگیرد و مسئولیت تصمیماتش را بپذیرد.

- برای داشتن انتخاب صحیح و فکر کردن درباره عواقب هر تصمیمی باید به فرزندان یاد داده شود که قبل از هر انتخابی از خود پرسند اگر من الآن این کار را انجام دهم آیا فردا هم در نظر من انجام این کار صحیح است؟ هفته آینده چطور؟ به طور کلی باید این قانون به فرزند آموزش داده شود: « هر انتخابی که ممکن است

ص: 88

1- میشله، بوربا، کتاب جامع تربیت کودک، ترجمه محمد، بهشتیان، ج2، چاپ اول، تهران، بهشتیان، 1389، ص93.

2- همان، ص94.

بعداً به خاطر آن پشیمان شوی را حذف کن»(1).

باید به فرزندان آموزش داده شود که مزایا و معایب انتخابخود را یادداشت کند تا ببیند تعداد کدامیک بیشتر است و بر اساس آن تصمیم گیری کنند.

والدین نباید از این نکته غافل شوند که نباید به جای فرزندان مسئولیت های آن ها را انجام دهند زیرا فرزندان بی مسئولیت معمولاً تلاش می کنند با عذرخواهی، دروغ گفتن، توجیه و... بی مسئولیتی را از سر خود باز کنند، بنابراین آن ها باید بدانند اگر مسئولیتی که بر عهده آن هاست انجام نشود با عذرخواهی حل نمی شود و باید به دنبال راهی برای جبران باشند(2).

اگر او علی رقم روش های فوق باز هم بی مسئولیتش را ادامه داد، باید پیامدی برای این رفتارش تعیین شود فرزندان باید یاد بگیرند که هر عملی پیامدی دارد و باید عواقب بی مسئولیتی را تحمل کنند(3).

به طور مثال: والدین به فرزندشان گفته اند وقتی تلویزیون نگاه

ص: 89

1- همان، ص 95.

2- همان، ص 96.

3- . همان، ص 97.

می‌کند غذا نخورد چون اتاق را کثیف میکند، در صورتی می‌تواند این کار را انجام دهد که پس از غذا خوردن آن جا را مرتب کند(1). برای انجام این روش‌ها توسط والدین به بهترین وجه و شکل ممکن لازم است آن‌ها با یک دیگر هماهنگ باشند بدین ترتیب دستوراتی که از طرف مادر صادر می‌شود و یا روش‌هایی که از طرف پدر به کار گرفته می‌شود توسط سایر افراد خانواده تأیید شود(2).

تهیه رزق حلال

پدر گذشته از این که می‌بایست نیازهای روحی همسر و فرزندان را تأمین نماید، باید با تهیه رزق حلال و توسعه در زندگی برای رشد سالم و صحیح جسمی فرزندان زمینه‌سازی نماید. همان‌طور که در فصل اول به آن اشاره شد فرزندان قبل از این که به این عالم قدم بگذارند اثر غذا در روح و جسم آن‌ها امری سلیم و تردیدناپذیر است و در طول تربیت هم باید کاملاً مراعات شود. تهیه رزق حلال خواص متعددی دارد که یکی از آن‌ها به وجود

ص: 90

1- میشله، بوربا، کتاب جامع تربیت کودک، ترجمه محمد، بهشتیان، ج2، چاپ اول، تهران، بهشتیان، 1389، ص97.

2- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص183.

آمدن زمینه رشد فضایل اخلاقی و خصال پسندیده در فرزند است(1).

از دیدگاه اهل بیت (غذایی که مصرف می شود علاوه بر آثار طبیعی که در جسم می گذارد، آثار دیگری هم در روح و روان و شخصیت معنوی ما ایجاد می کند، این نوع آثار را آزمایش های مادی و تجربه های علمی و عینی نمی تواند به اثبات برساند اما در منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام امری کاملاً واضح و پذیرفته شده است(2).

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می فرماید: «عبادت خداوند هفتاد جزء است و بهترین آن ها طلب روزی حلال است(3)». همچنین امام باقر (علیه السلام) به کسانی که تلاش می کنند سفره منازل خود را با روزی حلال بیاریند مژده می دهد که «لقى الله عزوجل: يوم القيامة وجهه مثل القمر ليلة البدر(4)». آنان در روز قیامت با سیمای نورانی، همانند

ص: 91

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 22.

2- همان.

3- حسین، بروجردی، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع الاحادیث، ج 22، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1386ق، ص 77.

4- محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج 5، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1407ق، ص 78.

شب چهارده، با خداوند ملاقات خواهند کرد. توسعه در امر معاش بر هر پدری لازم است تا علاوه بر این که از راه حلال معاش خانواده اش را تأمین کند در صورت امکان به فرزندانش سخت نگیرد و معاش آنان توسعه دهد. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: « هر میوه ای که همه مردم از آن می خورند لازماًست یک شخص مسلمان برای خانواده اش تهیه کند و خوراکی هایی را که مخصوص ایام عید است و در غیر ایام عید به آن ها نمی رسانند در روز های شادی و عید به آنان برساند(1).

ص: 92

1- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 23.

فصل ششم «بررسی نقش والدین در انتقال هنجار های اخلاقی»

اشاره

ص: 93

علم اخلاق که در آن بحث از فضایل و رذایل اخلاقی می شود، هدفش رساندن آدمی به کمالات و کسب فضائل اربعه « عفت، شجاعت، حکمت و عدالت است(1)». پیامبر گرامی اسلام هدف خود را در بعثت، اتمام بزرگی های اخلاقی دانسته و می فرماید: « انَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ(2)».

به همین دلیل والدین باید فرزندانی خوش اخلاق پرورش دهند زیرا این اخلاق است که رمز تداوم و حیات ملت هاست. برای اخلاقی بودن فرزندان باید به آن ها مبارزه با نفس اماره را آموخت که امر به بدی ها می کند. اخلاق نیک دوستی ها را تسری و توسعه می دهد، آرامش درونی فرد را بالا می برد، روحیات اجتماعی را امیت می بخشد و تعرضات آدمیان را نسبت به یک دیگر کنترل می کند، پس انسان، بدون برخورداری از تربیت اخلاقی درنده خوست و آن گاه رنگ آدمی به خود می گیرد که با اخلاقیات بر خلق و خوی خود غلبه کند.

ص: 95

-
- 1- محسن، ایمانی، " جایگاه و نقش پدر و مادر در تربیت فرزند"، پیوند، چاپ اینترنتی نور مگز، خرداد 1389، ش 368، ص 20.
 - 2- حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی، 1412ق، 1370ش، ص 8.

فرزندان با فراگیری اخلاقیات به وجدانی بسیار دست می یابند و هرگاه عمل خلاف اخلاقی مرتکب شدند، به فریاد وجدان گوش می سپارند و در صدد جبران بر می آیند(1). بدین ترتیب، اخلاق و تربیت اخلاقی مورد تأکید دیانت، فلسفه، ادبیات و همه انسان های شایسته است از این رو نباید به فراموشی سپرده شود(2).

عامل بودن والدین

والدین اگر خواستار مصلح بودن هستند ابتدا خود باید صالح باشند و به صلاحیت های اخلاقی و زینت های رفتاری آراسته باشند. به طور کلی این قانون است که « نمی شود غلط زندگی کرد و درست تربیت نمود(3)».

الگو های رفتاری فرزندان باید انسان های والایی باشند که شخصیت ایشان آمیزه ای از صداقت، خلوص، صفا، محبت، عطف، ایثار، گذشت، منطق و استواری و اعتماد به نفس باشد. زمانی که فرزندان در جریان زندگی و کنار هم بودن ها، نشست و برخاست ها و گفت و شنود ها با افرادی که به

ص: 96

1- محسن، ایمانی، همان.

2- همان.

3- امیرملک، محمودی، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، نشر شهاب الدین، 1386، ص 31.

عنوان الگو و مروج خوبی ها و نیکی ها هستند مواجه می شوند، ویژگی های آن ها را در شرایط سهل و دشوار می آزمایند و اخلاص، درستی، محبت و صداقت شخصیت پدر و مادر خود را باور می کنند و اگر والدین حقیقتاً اهل عمل و صادق باشند از هوای دل مرید آن ها می شوند و با همه وجود ایشان همانند سازی کرده، سعی می کنند به گونه ای بیاندیشند که آن ها دوست دارند و به صورتی رفتار کنند که خوشایند آنان باشد(1).

موعظه و راهنمایی

از مهم ترین حقوق فرزندان راهنمایی آنان توسط والدین است. از آن جایی که نوجوان در مراحل اولیه زندگی راه پر فراز و نشیبی در پیش دارد و راهزنان زیادی در کمین او نشسته اند والدینی که راه زندگی را پیموده اند و سرد و گرم روزگار را چشیده اند و تجاربی در این زمینه اندوخته اند لازم است در این زمینه با نصیحت ها و راهنمایی های خود فرزندانشان را از پیمودن در راه خطا و انحراف منع کنند(2).

ص: 97

1- همان.

2- عبدالکریم، پاک نیا، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382، ص 37.

به همین جهت خداوند متعال در قرآن کریم نصیحت های یک پدر مهربان و فرزانه را به فرزندش نقل کرده و آن را بعنواناسوه و الگو برای فرزندان و والدین معرفی می کند(1).

لقمان به فرزندش درحالی که او را موعظه می کرد، گفت: «پسرم! چیزی را همتای خداوند قرار مده که شرک ظلم بزرگی است. پسرم اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کارنیک یابد) باشد و در دل سنگی یا درگوشه ای از آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را در قیامت برای حساب می آورد و خداوند دقیق و آگاه است. پسرم نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می رسد شکویا باش که این از کارهای مهم است(2)».

امیر المؤمنین نیز در سفارشی راه گشا فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) را راهنمایی کرده و او را در پیمودن راه صحیح زندگی یاری می کند و می فرماید: «ای فرزند عزیزم! تو را به رعایت تقوا سفارش می کنم و این که پیوسته در فرمان خدا باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی، چه وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست؟ اگر سر رشته آن را در دست گیری. دلت را با موعظه و پند های نیکو زنده کن، هوای نفس را با بی اعتنایی به

ص: 98

1- . همان.

2- . سوره لقمان، آیات 19-13.

حرام بمیران، جان خود را با یقین به ارزش های الهی نیرومند ساز و با یاد مرگ خودت را آرام کن، با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش و از دگرگونی روزگار و زشتی های گردش شب و روز او را بترسان، تاریخ گذشتگان را بنما، در دیار و آثار ویران شده رفتگان بگرد و بیندیش آنان چه کرده اند؟ از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمده اند؟(1)».

زمینه سازی برای حفظ عفت و نجابت و پرهیز از گناه

یکی از مسائل تربیتی مهم در دوره جوانی از نظر تعالیم اسلامی پرهیز از گناهان و حفظ عفت و نجابت است. در عین حال، در این تعالیم بر تشکیل خانواده و روابط زناشویی سالم نیز تأکید شده و راه حل مهم برای جلوگیری از انحرافات و انتقال بخش مهمی از ارزش های اخلاقی به فرزندان را فراهم آوردن امکانات برای ازدواج آن ها دانسته اند. در این دوران اگر والدین بتوانند نیازهای جوان را به موقع شناسایی کنند و به آن پاسخ دهند می توانند در جریان تربیت آن ها مداخله مؤثری داشته باشند(2).

ص: 99

-
- 1- . محمد، دشتی، نهج البلاغه، نامه 31، ص 370.
 - 2- . جمال، فرزند وحی، طاهره حیدر نژاد، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی"، فصل نامه تخصصی تفسیر علوم قرآن و حدیث، چاپ پنجم، نشر حسنا، قم، شماره هفدهم، 1392، ص 116.

یکی از روش های مهم در تربیت راستگویی و صداقت در رفتار و گفتار با کودک و پرهیز از دروغ، تزویر و حيله است. کودک هم راستی و صداقت را خوب درک می کند هم دروغ و حيله و تزویر را. کسانی که گمان می کنند کودک این مسائل را درک نمی کند و آن ها بدون ایجاد درد سر بر خود و فرزندانشان، تنها با دادن وعده ای دروغین، به خواسته خویش و صلاح فرزندانشان دست یافته اند در اشتباه اند، والدین با این کار بزرگ ترین مشکل را برای خود و فرزند آفریده اند، زیرا فرزند از همان سنین کودکی بی صداقتی والدین را درک کرده و این الگویی برای آینده او خواهد بود(1).

بی صداقتی با کودک از سه جهت آثار ضد تربیتی دارد:

1. والدین الگویی عملی برای کودکان محسوب می شوند و کودکان در رفتار های خلاف و انحرافی از بزرگتر ها تقلید می کنند و صداقت نداشتن والدین درس عملی برای فرزندان است که آثار آن از درس گفتاری بسیار بیشتر است(2).

ص: 100

1- . سیدعلی، حسینی زاده، تربیت فرزند، ج 1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 149

2- . همان، ص 150

2. والدین از این طریق اعتماد فرزندان خود را از دست می دهند، فرزندی که با بی صداقتی والدین مواجه می شود به حرف و قول آن ها اعتمادی نخواهد داشت و با دیده تردید به آنها می نگرد و کارهای تربیتی در او بی اثر خواهد بود(1).

3. والدین از این طریق به شخصیت کودک لطمه می زنند، کودکی که با بی صداقتی، تزویر و دروغ با او رفتار شده، احساس می کند ارزش او همان است؛ زیرا اگر ارزش، احترام و شخصیت داشت این گونه با او برخورد نمی شد(2).

رفق و مدارا در تربیت

معصومان(به آثار و پیامد های تربیتی اختلاف سنی افراد توجهی خاص داشتند؛ آنان در تربیت دینی، میان کودکان و بزرگسالان تفاوت قائل می شوند و از هر یک انتظارات خاصی داشتند(3)؛ امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «ماکودکانمان را در هفت سالگی به روزه گرفتن، به اندازه ای که توان آن را دارند، تا

ص: 101

1- . همان.

2- همان.

3- . محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص253.

نصف روز، بیشتر یا کمتر دستور می دهیم، هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد افطار می کنند تا به روزه عادت کنند و توان روزه داری بیابند؛ شما کودکان را در نه سالگی به روزه گرفتن، به هر اندازه که می توانند امر کنید، هرگاه تشنگی بر آنها غلبه کرد افطار کنند. (1)

در مقابل، معصومان از بزرگسالان انتظارات بیشتری داشته اند؛ از کسی که عمرش را در اسلام گذرانده است، انتظار داشتند اعمال خود را با رعایت تمام یا اکثر مستحبات انجام دهند (2). اخلاق در والدین ایجاب می کند توقع انتظاراتی که از جوانان هست از کودکان نباشد، کودکان هنوز به آن حد از رشد جسمانی نرسیده اند که بتوانند از عهده کارهایی که بزرگسالان انجام می دهند بر آیند؛ شاید برای یک بزرگسال خواندن نماز در پنج وقت مشکل نباشد، اما برای یک کودک ده ساله خواندن نماز در پنج وقت مشکل باشد و چه بسا فراموش کند نماز عصر یا عشاء را بخواند؛ کودکان و نوجوانان، به خلاف بزرگسال، هنوز چنان که باید با

ص: 102

1- محمد بن علی، ابن بابویه، ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج 1، چاپ اول، تهران، نشر صدوق، 1367 ش، ص 426.

2- محمد، داوودی، همان، ص 253.

آداب و معارف و احکام اسلام آشنا نشده و به همین سبب، آمادگی روحی و جسمی برای انجام کامل آن‌ها را پیدا نکرده است(1). به سخن دیگر، انجام وظایف دینی مانند انجام فعالیت‌های ورزشی است؛ کسی که سابقه‌ای طولانی در فوتبال یا وزنه برداری وارد می‌تواند مدت زمان طولانی تری فوتبال بازی کند مسیر بیشتری را بدود و وزنه سنگین تری را بردارد؛ در حالی که فرد تازه کار از عهده آن کارها بر نمی‌آید و باید به تدریج این توانایی را در خود ایجاد کند؛ حال اگر فرد تازه کار در صدد برآید آن کارها را انجام دهد، چه بسا دچار مشکلاتی نیز بشود(2). اعمال و وظایف دینی نیز دقیقاً از همین قاعده پیروی میکنند؛ از این رو نباید از یک کودک همان انتظار را داشت که از یک فرد سالخورده، این کار نه تنها در اخلاق روا نیست، بلکه اگر کودک مجبور شود آن انتظارات را برآورد، چه بسا آثار نامطلوبی نیز در او بر جای بگذارد(3).

ص: 103

1- . همان، ص 254.

2- . همان.

3- . همان، ص 255.

- رفق و مدارا با فرزندان موجب جذب آنان به والدین و شخصیت و منش و آرا و عقاید آن‌ها می‌گردد.

- رفق و مدارا با فرزندان موجب می‌شود آنان آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به بهترین وجه درک و جذب کنند و به تدریج به مدارج بالای ایمان و کمال برسند، بدون آن‌که از اعمال دینی خسته یا دلزده شوند(1).

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در توصیه‌ای به حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «عبادت خداوند را برای خودت ناخوشایند مکن؛ که زیاده‌رو و افراط‌کار نه مرکب خود را سالم می‌گذارد و نه راه را طی می‌کند(2)».

این روایت بیان می‌کند که رعایت نکردن رفق و مدارا در مقام تربیت، حتی اگر در مورد خود فرد باشد، موجب می‌شود خود از عبادت و سایر اعمال دینی خسته و در نتیجه متنفر گردد و بدین سبب از طی مسیر کمال بازماند(3)، چه رسد به این‌که از کودکان و نوجوانان که در ابتدای راه هستند این انتظارات وجود داشته باشد.

ص: 104

1- . محمد، داوودی، زیر نظر علیرضا، اعرافی، تربیت دینی، ج 2، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388، ص 259.

2- . محمد بن یعقوب، کلینی، اصول کافی، ترجمه کسره‌ای، ج 4، چاپ سوم، قم، نشر اسوه، 1375 ش، ص 265.

3- . محمد، داوودی، همان، ص 260.

شالوده هر جامعه، خانواده ها هستند و در واقع، هسته اولیه تشکیل جوامع نیز محسوب می شوند. نیروهای حرکت دهنده هر جامعه در خانواده ها متولد شده و رشد می یابند. روابط اولیه افراد در خانواده، زمینه ساز نوع فعالیت های آینده آنان در در ابعاد مختلف دینی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است. تجارب افراد در خانواده می تواند سال ها آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. به طور کلی خانواده سالم، خانواده ای که با تربیت افراد موفق و کوشا و تحویل آن ها به جامعه در رشد و تعالی آن مؤثر باشند. با توجه به این نکته و سایر مباحثی که تاکنون بیان شد، نقش والدین در انتقال ارزش ها به فرزندان روشن می شود. از فصل انتقال ارزش های دینی نتیجه گرفته می شود که اصل ازدواج در درجه اول بیشترین تأثیر را در تربیت فرزند دارد و به تبع آن آموزش های مختلفی که باید به فرزندان داده شود، از فصل انتقال ارزش های عاطفی نتیجه گرفته می شود والدین برای پرورش فرزندانی با عزت نفس و مقاوم در برابر مشکلات لازم است به نیاز های اساسی کودک خود مانند تکریم و

احترام و تقویت عزت نفس در او توجه و اهتمام ویژه داشته باشند، از فصل انتقال ارزش های اجتماعی به این رسیده که در درجه اول باید فرزندان مسئولیت پذیر پرورش داد تا بتوانند در آینده نقش هایی که بر عهده آن ها گذاشته می شود را به بهترین شکل ممکن انجام دهند و از زیر بار آن ها شانه خالی نکنند و در فصل آخر که انتقال ارزش های اخلاقی است که مهم ترین مسئله در تربیت و پرورش اخلاقی کودک، عامل بودن والدین است و در مراحل بعد راستی و صداقت و فراهم کردن موقعیت ازدواج برای فرزندان، تبیین و مورد بررسی قرار می گیرد. در این راستا در عصر کنونی دورسالت، ضروری به نظر می رسد: در مرتبه اول تقویت نهاد خانواده و در مرتبه دوم، کمک به اصلاح روابط اعضای خانواده با یک دیگر و افزایش کارآیی و تعالی اخلاقی خانواده ها، که علاوه بر اهتمام خود والدین به این رسالت، اهتمام و توجه نهاد آموزش و پرورش و نقش پر رنگ رسانه ها را نیز می طلبد.

* قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای.

* سید رضی، نهج البلاغه.

1. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق غفاری، علی اکبر، ج 1 و 2، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین قم، 1413 ق.

2. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، به تحقیق غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، 1404 ق.

3. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب. ذیل واژه سنن، چاپ سوم، بیروت، دار صادر، 1414 ق.

4. احمدی، زین العابدین و حسنعلی، مقام پدر و مادر در اسلام، انتشارات میثم تمار، چاپ اول، قم، 1385 ه.

5. اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمه فی معرفه الائمه، دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت، 1405 ق

6. ایمانی، محسن، "نقش پدر در تربیت فرزندان"، مجلات تخصصی نور، پیوند، خرداد 1389.

7. باقی نصرآبادی، علی، مبانی جامعه شناسی، چاپ اول، قم، یاقوت، 1382.

8. بروجردی، حسین، منابع فقه شیعه، ترجمه جامع الاحادیث، به تحقیق جمعی از فضلاء، ج22، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1386ق.
9. بوربا، میشله، کتاب جامع تربیت کودک، به ترجمه بهشتیان، محمد، ج2، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ سبز، 1389.
10. پاک نیا، عبدالکریم، حقوق متقابل والدین و فرزندان، قم، نشر کمال الملک، 1382.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، به تحقیق مؤسسه آل البیت، ج20 و 21، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البیت، 1409ق.
12. حسینی زاده، سیدعلی، تربیت فرزند، ج1، چاپ هفتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388.
13. خوانساری، محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق حسینی ارموی محدث، جلال الدین، ج3، چاپ چهارم، تهران، نشر دانشگاه تهران، 1366ش.
14. داوودی، محمد، تربیت دینی، زیر نظر اعرافی، علیرضا، ج2، چاپ چهارم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1388.
15. رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفستگی اجتماعی، تهران، سروش، 1378.
16. سووه توماس، فرهنگ، اصلاحات اجتماعی اقتصادی، م. آزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، 1354.
17. شریف قریشی، باقر، نظام خانواده در اسلام، به نقل از قاموس المحيط، ترجمه لطیف راشدی، چاپ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، 1386.

18. شیخ صدوق، گزیده من لایحضره الفقیه، ج 1، چاپ اول، فیض کاشانی، 1276 ش.
19. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم، الشریف الرضی، 1412 ق/ 1370 ش.
20. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه ایت الله احمد بهشتی، انتشارات فراهانی، تهران، 1352 ه.
21. عمید، حسن، فرهنگ عمید، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، نشر اشجع، 1390.
22. فردوسی، سیما، کلید های تربیت کودکان، چاپ ششم، تهران، نشر صابرین، 1388.
23. فرزندان وحی، جمال، حیدر نژاد، طاهره، "مراحل تربیت از دیدگاه قرآن و سنت و علم روانشناسی، فصل نامه تخصصی قرآن و حدیث، چاپ پنجم، قم، نشر حسنا، 1392.
24. قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، چاپ نهم، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، 1384.
25. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج 2، قم، دارالکتاب، 1404 ق.
26. الکاشف، انتشارات دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، قم، 1424 ق.
27. کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده الکافی، ترجمه بهبودی، محمد باقر، ج 5، چاپ اول، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، بی تا.
28. _____، اصول کافی، ترجمه کسره ای، ج 4، چاپ سوم، قم، نشر اسوه، 1375 ش.

29. متقی هندی، علاءالدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقاء، مؤسسه رساله، چاپ اول، بیروت لبنان، 1989م.
30. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 5 و 80، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
31. محمودی شهری، محمد، موسوعه امام حسین، فی الکتاب و السنه و التاریخ، به ترجمه عبدالهادی، مسعودی، قم، دارالحدیث، 1389.
32. محمودی، امیر ملک، راهنمای خانواده، چاپ بیست و سوم، قم، شهاب الدین، 1386.
33. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، چاپ پنجاهم، قم، صدرا، 1388.
34. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران، ثامن، 1386.
35. مغنیه، محمدجواد، تفسیر
36. نعلبندی، یدالله، داستانهای پندآموز تبلیغی، انتشارات کشف الغطاء، چاپ اول، قم، 1390ه.
37. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، به تحقیق گروه پژوهش مؤسسه آل البیت، ج 11 و 15، چاپ اول، بیروت_ لبنان، مرسسه آل البیت، 1408ق.